

سلسله مونوگراف‌های پوهنخی اقتصاد

فرودشگاه کتابه فرهاد انوری
Farhad Anwari Book Store
مکروریان سوم کابل
پست بکس ۵۲۱۸

(استاد رهنمای تجارتی افغانستان)



استاد رهنمای : دانشمند و استاد دکتور محمد نعیم " اشرفی "

تابع و نگارش : عبد الغفور لیسانسه اقتصاد .

۱۳۵۰

Farhad Anwari Book Agency
Malik Nawroz Market
Arbab Road - Peshawar



AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00007965 6

پوهنخی اقتصاد

فهرست مندrijات

مقدمه :

فصل اول : سیر تاریخی «ماهیت، فواید، انواع، فرق و اشکال اسناد تجاری»

۱- سیر تاریخی اسناد تجاری

۲- ماهیت اسناد تجاری

۳- فواید اسناد تجاری

۴- فرق اسناد تجاری از سایر اسناد

۵- اشکال اسناد تجاری

۶- انواع اسناد تجاری

فصل دوم : برات .

۱- منشاء و هدف برات

۲- تعریف برات

۳- وظایف برات

۴- قانون برات اسلامی و انکشاف قانون جدید برات افغانستان

۵- ابتکار صدور برات تبادلی

۶- شکل قانونی یک برات تبادلی

۷- اجزای برات تبادلی

الف - اجزای قانونی برات

ب - اجزای تجاری برات

۸- مطالب اختیاری

۹- انواع برات

۱۰- وجایب صادر کنندگه برات

۱۱- قبولی برات

۱۲- استعمال برات

۱۳- انتقال و درگیرانی برات

۱۴- محل برات

۱۵- انقضای موعد تاریخی

۱۶- رجوع در محکمه

۱۷- به ناء خیرافتادن تقاضای برات

۱۸- ترتیب نمودن نسخه های متعدد برات

۱۹- ضمانت

۲۰- قوانین خارجی برات

فصل سوم : حجت تجاری

- ۱- تعریف
- ۲- شرایط حجت تجاری
- ۳- موارد قابل تطبیق برای درباره حجت
- ۴- فرق حجت از برات

فصل چارم : چک

- ۱- تاریخچه چک
- ۲- تعریف چک
- ۳- استفاده از چک
- ۴- اجزای چک
- الف : اجزای قانونی
- ب : اجزای تجاری
- ۵- اقسام و انواع چک
- ۶- انتقال چک
- ۷- رجعت در مورد عدم تاریخ چک
- ۸- ارائه و تاریخ چک
- ۹- عدم تاریخ مبلغ چک
- ۱۰- مفقودی چک
- ۱۱- فرق برای از چک
- ۱۲- تنازع عمومی

نتیجه :

منابع

سوانح مؤلف



مقدمه

یکی از عوامل موثر در پیشبرد اقتصاد یک مملکت بهتر شدن و اصلاح سیستم پولی آن میباشد . روی این اساس است که امروز دول که در راه ترقی گام می گذارند . حتی الوسع می کوشند که در مراحل اول تسهیلات در طرق تجارت و دادسته معاملات تجاری زریعه ویفورم و اصلاحات در سیستم تبادله که با شرایط و مقتضیات عصر مطا بسیار باشد رویکار آورند . چنانچه سیر انکشاف اقتصاد دول متوفی و تغییرات و تحولاتی که موازی به آن در صورت دادسته معاملات بیان آمده این موضوع را تائید میکند . اگر به اوراق و تحولات که در زمینه ایجاد شده نظر اندازیم خوبتر مارا به واقعیت و کیفیت موضوع آگاه میسازد . تاریخ نشان میدهد که بیشرا از اعصار قدیم و مراحل اولیه احتیاج به معاملات تبادلی و شغل داشت . از انجاییکه یک فرد نمیتوانست تمام احتیاج خود را به تنهائی رفع نماید . بناءً بمرور ایام تقسیم شغل بوجود آمد و هریک از افراد به یک شغل خاص اشتغال ورزیدند . برای مرفوع ساختن سایر احتیاجات خود اضافه تولید خود را در مقابل اشیاء و تولید دیگران تبادله می نمودند . اما این امر سد راه و موانع تجارت افراد واقع گردید . بعد از گذشت زمان بشر در اثر ترقی صنعت و رشد فکری پول را وسیله مبارله قراردادند . هم چنان خطرات که از ناحیه پول متصور بود . خصوصاً افراد را در حمل و نقل پول در موارد مختلف تجارت تهدید من کرد . این پروبلم باعث گردید که اقتصاد یون وسیله دیگر را برای تسریع بخشیدن معاملات تجاری سراغ کنند . همان بود که اسناد تجاری را بیان آوردند . چنانچه در تجارت بار اول برات که یک نوع خاص سند تجاری است دو قون دوازده عیسوی توسط تجار ایطالوی از یک محل به محل دیگر استعمال گردید . طوریکه قبل از ذکر دادیم در سابق خطرات زیادی ناشی از دزدی « مفقودی در حمل و نقل و انتقال پول از یک منطقه به منطقه دیگر به نسبت راه های طویل تجاری زیاد بود . برای از بین بودن این خطر از برات استفاده بعمل آمد یعنی یکنفر توسط مکتب تبادلی به یکنفر معامله دار خود در محل دیگر هدایت صادر می کرد که مبلغ پول معینه را به واحد پولی به محل ذومی به شخص مورد نظر تادیه نماید . درینصورت مکتب تبادلی بحیث وسیله تبادله خود پول استعمال نمی شد . این اصل و منشاء تاریخی برات های اروپائی در حیات اقتصادی تمام ممالک مروج است . در افغانستان تاسی و پنجم سال قبل برات اسلامی رواج داشت و در سال ۱۹۳۰ شرکت سهامی افغان تأسیس شد

که این شرکت در سال ۱۹۳۳ به بانک ملی افغان تبدیل گردید . کمی بعد از آن در کابل بانک دولتی تأسیس گردید از سال ۱۴۰۱ و غالباً در ۱۹۴۰ مفهوم و معنی بانکداری در افغانستان اهمیت زیاد کسب کرد .

در همین عصر یک عدد شرکت های سهامی و نمایندگان بانک ها در حیات اقتصادی افغانستان اهمیت خاص پیدا نمودند به این ترتیب در سال ۱۹۵۴ به منظور پیشرفت تجارت و معاملات تجاری پشتو تجارتی بانک در کابل نیز تأسیس گردید .

توسعه بانکداری و هم تأسیس شرکتهای سهامی افغانستان توان با برقرار نمودن مناسبات اقتصادی با ممالک دیگر نفوذ زیاد تر و بیشتر قانون برای اروپائی را در افغانستان وارد نمود . لهذا بانکها و شرکتهای سهامی افغانستان مجبور بودند که با برای های اروپائی داد و ستد نمایند . چنانچه قانون برای اروپائی در ابتدا یک قانون تعاملی افغانی را تشکیل و در قانون برای اسلامی بشدت وحدت هرچه بیشتر نفوذ نمود در ۱۴ دسمبر ۱۹۵۵ بحیث آخرین مملکت اسلامی افغانستان قانون برای اروپائی را قبول و یک قانون تجارت را که مبحث سوم آن بنام (اوراق تجارتی) یاد می شود تدوین نمود . قانون تجارت افغانستان از چک و حجت نیز نام بود که در معاملات تجارتی تمهیلاتی را فراهم آورد است . و افغانستان بسان سایر ممالک در جریان انکشاف اقتصادی متوجه این امر شد تا اسناد تجارتی را طوری که در ممالک دیگر مروج است غرض بیهود معاملات تجارتی به پذیرد و از آن منحیت یک سند قانونی در قانون تجارت نام به بود . نوعیت اسناد تجارتی منوط به نوع فعالیت تجاری باشد . توضیحات مفصلی ارائه گردید : چنانچه از ماره ۱۹۵۸-۱۹۵۷ راجع به موضوع چک و از ماره ۱۹۵۸-۱۹۵۷ راجع به خصوصیات برای و حجت توضیحات لازمه داده شده .

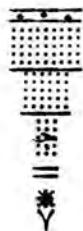
هدف اساسی مقامات ذیصلاح درین مورد این بود که افغانستان در پهلوی پیشرفتهای اجتماعی و فرهنگی در زمینه رشد اقتصادی نیز گامهای مشتبی برد ارد . جهت رسیدن این مأمول لازم بود در قدم اول وسائلی که برای رسیدن به این ارمان عالی ضرور بسود جستجو شود . البته یکی ازین وسائل ارزشند بینان آوردن پول کنی یعنی اسناد تجارتی در ساحه فعالیت های اقتصادی بود که خوشبختانه از مدت مديدة است افراد در معاملات خود از آن استفاده می نمایند .

نظر به اهمیت خاصی که اسناد تجارتی در حیات اقتصادی افغانستان دارد . در اثر

صنعتی شدن مملکت و اضافه شدن حجم معاملات در دوران تجارت اهمیت آن افزود خواهد شد .

چون تجارت از زمان قدیم لازمه حیات بشر و جزء لا ینفك زندگی انسان بوده است بدین صورت خواستم تا موضوع مونوگراف خوبیش را راجع به اسناد تجاری بالخصوص چک، برات و حجت که اهمیت بسزا در اقتصاد کشور اور انتخاب نمایم . بناء کار مونوگراف را هنرمند دکتور محمد نعیم اشرفی آغاز نموده، زحمتی چند درین را ه مهدول داشته ام، امید است این زحمت کشی ^{شکری} برای آنانیکه این نوشته را می خوانند باشد و هم لازم میدانم تا اضافه نمایم که محقق و متبع در این نوشته، نظر عمومی به انواع و اشکال اسناد تجاری انداخته و بطور خاص تعمیک اسناد (چک، برات، حجت) را در افغانستان یار آورده است با احترام

عبدالغفار



فصل اول

۱- سیر تکامل اسناد تجارتی :

ماخذ تاریخی که راجع باسناد تجارتی از اعصار گذشته بدست داریم ناچیز و غیر متین بوده تنها گفته می‌توانیم که در قرون وسطی هنگامیکه تجارت در سر زمین اروپا ترویج یافت تجارت بین ممالک مختلف از جهت عدم امنیت راه‌ها، خرابی وسائل نقلیات و انواع مختلف اسعار و هم چنان منع صدور فلزات ذی قیمت مشکل می‌نموده برای رفع این احتیاج مقاولات تبادل‌لوی بوجود آمد و سندی که مقاولات را اثبات می‌نمود برات تبادل‌لوی مسمی گردید که این اسناد بدون حمل و نقل پول و سیله^۱ تبادله گشت مثلاً تاجری که می‌خواست در مملکت دیگری رفته اموال تجارتی را خرید از نموده ب霍ظن خود وارد کند نزد صراف شهر خود رفته با او مقاوله انعقاد می‌نمود که در اثر موافقه فوق صراف به معامله دار خود (تاریه کنده) نگاشته با و امری می‌داد که برویت برات مبلغی معینی را با سعار آنجا به تاجر مذکور بپردازد. برات فوق را به تاجر اخذ کنده یا فایده برنده در بدل قیمت مندرجه آن می‌سپرد. تا تاجر حین رسیدن به مملکت خارج برات را به تاریه کنده ارائه و پول خود را در یافت نماید.^(۱)

از ابتداء برات تبادل‌لوی تنها و سیله تاریه از نقطه به نقطه^۲ دیگر نبوده بلکه فعالیت دیگر را نیز انجام می‌داد که عبارت از سیله تاریه اسعار محل تاریه باشد. ناگفته نماند که برات‌ها در ابتداء شخصی بوده یعنی تنها شخصیکه اسم وی از طرف صادر کنده روی سند تحریر یافته بود. حق در خواست مبلغ مندرجه را داشت «بعباره» حقوقی تر برات‌ها در ابتداء معاملوی نبوده و خرید و فروش آن توسط ظهر نویسی صورت نمی‌گرفت. ولی در اواخر قرن ۱۷ در فرانسه شرط خرید اری روی برات جلب توجه می‌کند که عبارت از (بامرایشان) باشد. یعنی درین زمان برات معاملوی گشته بمحض ظهر نویسی قابل انتقال می‌گردد. ماره ۱۸ و ۱۹ فرمان ۱۶۷۳ در فرانسه قواعد برات بی‌اسم به حامل یا دروجه حامل را تنظیم نموده و اعلا میه ۲۱ سپتامبر ۱۷۲۱ آنرا تائید

(۱) این گونه اسناد سابقاً در افغانستان هندوئی نام داشت چه اکثر صرافان این جا اهل هنود بوده و هرگاه شخصی می‌خواست به هند یا مملکت دیگرسفر کند نزد صراف رفته وجه را تحويل و در عوض آن هندی حاصل می‌نمود که حین رسیدن به آنجا بگماشته صراف رویت را ده و عوض آن اسعار حاصل می‌داشت.

وعلوه کرد : که حاملین برات حق شخصی را شدند و میتوانند قدر حقوقی را که بمقابل صاحبان قبلی برات را شدند مقابل حامل استعمال نمایند . بدین صورت قرضه برات یک قرضه مجرد گردید (قرضه مجرد قرضه ایست که سبب حقوقی که دین را بوجود آورد ه تعلق نداشت و قرضه مستقل شناخته شود) در سال ۱۸۰۷ هنگامیکه فرانسه قانون نامه تجارت را تدوین می نمود از دساتیریکه قبل راجع به برات اظهار نمود یم الهام گرفته و سالیان درازی این قانون نامه مظہر الهام قانون نامه بسا ممالک گردید . ماده (۱۱۰) این قانون نامه تصویح می نماید که :

بایست برات تبارلوی از یک محل به محل دیگری کشیده شود . یعنی لازم است که محل صدور و محل تاریخ برات عین موضع نباشد . در عمل محاکم باین ماده اهمیت ندارد آهسته آهسته آنرا از بین برداشت . چنان است که عملاً امروز برات های دیده میشود که محل صدور و محل تاریخ آن را ریک شهر حتی یک ناحیه من باشد . در ۲۶ نومبر ۱۸۴۸ کنفرانس راجع به حقوق تبارله المان انعقاد یافته و در اثر آن حقوق تبارله این خاک متحده شکل گردید . حقوق تبارله المان تحت مفکره جد اگانه تقاضی گردید و عده بزرگ ممالک اروپائی و شرقی از آن الهام گرفته و گروپ آلمانی را حین کنفرانس جینوا تشکیل داردند .

قانون متحده شکل برات در اثر کنفرانس جینوا در سال ۱۹۳۰ :

۱ - مفاد عملی متحده شکل ساختن حقوق تبارله : - ضرورت متحده شکل ساختن حقوق تبارله قبل از انعقاد کنفرانس جینوا احساس می شد . چه برات که عموماً از یک مملکت بدیگر مملکت کشیده می شد . بعضاً نسبت تغییر قوانین ملل عواقب ناگوار و غیرمنتظره را بار میاورد . مثلاً یک برات که بصورت منظم قرار حقوق فرانسه باز فرانسه به جرمی یا ایطالیا کشیده می شد . شاید تمام شرایط شکلی قانون آنجراتکاف نکرده اصلاً برات شناخته نمی شد . و در این صورت حامل برات متضرر می گردید . این عده مسئونیت باعث شد تمام ممالک اروپائی راجع به متحده شکل ساختن حقوق تبارله فکری نمایند . تا این عواقب غیر مترقبه را از بین برداشند اقل تخفیف دهند . چنان که در سال ۱۸۸۰ اقدام اولین بعمل آمد و متعاقب آن در سال ۱۸۸۸ نمایند گان ۱۵ مملکت در شهر انور و بروکسل گرد آمد . و فیصله نمودند که یک کمیسیون بین المللی جمع و قانون نامه تبارله را ترتیب و آنگاه بدسترس مقننه ممالک گذارند تا هر مملکت آنرا در قانون خود بگنجانند . در سال ۱۹۰۸ در اثر دعوت آلمان و ایطالیا حکومت هایند ۶ مملکت را برای انعقاد

کنفرانس بین المللی در "لاهه" دعوت نمود که در سال ۱۹۱۰ این کنفرانس انعقاد یافته و ۳۲ ملت در آن اشتراك نمودند. متعاقب آن در سال ۱۹۱۲ مجلس دیگری منعقد و دستور متحده شکل تحت ۸۰ ماره راجع به برات و حجت تجاری از طرف ۲۷ مملکت امضا گردید. ولی جنگ عمومی ۱۹۱۴ این آمال را نا انجام گذاشت. در سال ۱۹۳۰ کنفرانس در جینوا تشکیل یافته و ۳۴ دولت در آن اشتراك ورزیدند که آن میثاق را امضا کردند از قبیل آلمان، اتریش، بلژیک، برزیل، دنمارک، اکوانور، اسپانیا، فنلاند، فرانسه، ایطالیا، تورویژ، هالیند، پیرو، پرتغال، سویس، ترکیه وغیره بودند. در میثاق فوق مالک امضا کنند مخویشن را مکلف ساخته تا مواد قرارداد را بدون تغییر و تعدیل بجز مواد یکه از طرف خود قرارداد به اختیار مالک گذاشته شده در قوانین خود جا دهند. میثاق فوق در سال ۱۹۳۴ در محل اجرا گذاشته شد در حقوق افغانستان بار اول در اصولنامه تجاری مصوبه ۲۱ قوس ۱۳۳۴ وضع برات، چک، حجت تنظیم شده گرچه اسناد فوق قبل از این تاریخ معمول بوده

۲- ماهیت حقوقی اسناد تجاری :

قانون اکثر مالک راجع به ماهیت حقوقی این اسناد طور صریح چیزی نگفته است. لذا برای درک درست این موضوع لازم می افتد تا نظریات پاره از دانشمندان را ازنظر بگذرانیم :

۱- نظریه دانشمندان کلاسیک فرانسه :

الف - مولفین فرانسه مدت مديدة مشکلات این امر را درک نکرده چنان می پنداشتند که اسناد تجاری دین جدید را بار نیاورده بلکه طلب ماقبل صدور را تائید و تأکید می نماید. نظریه فوق تنها اسناد راحین ارائه آن در نظر گرفته ولی مناسباتیکه بین طرفین در آن بوجود می آید متوجه نگردیده اند.

کپن ورینور درین باره چنین می گوید: بین صادرکنده و اخذ کننده برات مقاوله موجود بوده که برای تتفییذ آن برات مادر شده، بین صادرکنده و مخاطب یک مناسبت وکالت موجود است که صادرکنده به مذاطب وکالت پرداخت دارد یعنی با او امر نموده که مبلغ متذکره را به وکالت به مقدار بینده نادیه دارد.

تشريعات و نظریات بالا خیلی سطحی بوده وغیر مستقر بنظر من خورد چه اولا برات مانند اعصار گذشته تنها وسیله مقاوله تبادلی نبوده که حتما از شهری به شهری یا از ملکتی به ملکت دیگر کشیده شود بلکه امروز برات وسیله قبولی یک قرضه، اعطای یک جبهه و تاریه

یک دین است، ثانیاً وجاییست که از صدور یک برات نشاءت من کنداز و جایب مقاوله توکلی بکلی متفاوت است چه در مقاوله توکلی، وکیل خویشتن را مقید نساخته و هر لحظه که خواسته باشم از وکالت استفاده نموده من تواند و هم چنان مولحق دارد هر لحظه وکیل خود را خلع نماید ولی مخاطب یک برات بمجرد رادن قبولی تا آذین دینار، خود شخصاً مسئول پرداخت است و همچنان حادر کننده برات از حواله خود بازگشته نتوانسته آنرا باطل ساخته نمیتواند.

ب - نظریه تعهد لفظی و مجرد: این مفکره ابتدا توسط علمای آلمان پیشنهاد گردیده و از مدت چهل سال باین طوف در حقوق فرانسه نیز تطبیق میگردد. اینک نظریه لاکورولسکو را درباره تعهد لفظی و مجرد از نظرمن گذرانیم.

لاکورمیگوید: وجیبه تبار لوی عبارت از یک و جیبه لفظی پاشکلی بوده که اعتبار آن فقط از جهتی است که اسناد قانونی حادر شده و مشتملاً بدروان اند از آن شده هنگامیکه این و جیبه روی یک ورق تحریر مو گردید از سایر اسناد متفاوت بوده و به مالکین خود حق درخواست تادیه را اعطا مینماید. حادر کننده خویش را تنها مقابل اخذ کننده برات مسئول پرداخت نساخته بلکه در اثر این مقاوله لفظی مقابل هر شخصی که بعداً توسط ظهرنویسی مالک اسناد فوق گورد مسئول میشمارد. شخصیکه ظهرنویس به مفاد او ورت گرفته بلکن آسوده خاطر است که دفع شخصی مالکین قبلی مقابل او اقامه شده نمیتراند.

انتقادی که درین مورد صورت میگیرد اینست که اسناد تجاری تنها یک سند شکلی نبوده بلکه علاوه بر این سند مجرد و قائم بالذات نیز است.

لسکو چنان اظهار نظرمن نماید: غلط است که بخواهیم مسئولیت امضا کننده را مقابل جمله علاقمندان یک سند تجاری یکسان داشته و یک مکفت حقوقی داشیم.

صدور برات بین حادر کننده و اخذ کننده یک مناسبت حقوقی جدیدی را روی کار آورده که منشاء آن مقادل لوی بوده وغیرا مناسبتی است که قبل از بین طرفین موجود بوده است. مثلاً اگر کدام شرط را حادر کننده از اخذ کننده برات خریده و برای پرداخت آن براتی حادر من کند توسط صدور برات یک مناسبت حقوقی جدیدی بین شان بوجود آمد که منشاء مقاوله خرید و فروش مجزا میباشد. این مقاوله یک معامله حقوقی یک جانبه شکلی و لفظی است اما بجه هیچ وجه مقاوله مجرد شمرده نمیشود. چه مناسبت حقوقی مقاوله سابقه باعث صدور این وجوهه جدید گردیده چنان است که حادر کننده میتواند جمله وضوی که از مناسبات اولین مقابل اخذ کننده را شت مقاصل حامل استعمال نماید.

بین صادرکنده و مخاطب مناسبت توکیلی ناقص موجود بوده . مناسبت اخذ کنده برات و مخاطب که قلولی دارد نیز از مقاوله توکیلی سرچشمه گرفته یعنی مخاطب عیناً توکیل صادر کنده شناخته میشود چنان است که تعهد صادرکنده محبرد نبوده وجه تعهد فوق در مناسبات حقوقی است که ایشان را بهم مرتبط ساخته ولی اخذ کنده از این مناسبات بگذر بیگانه شناخته میشود از آن جهت است که نامبرده دفع حقوقی را که مخاطب مقابل صادر کنده را در متصل نمیشود بین هر عامل و ظاهر نویس او یک مناسبت مقاولوی موجود بوده و به ظاهر نویس آن اجازه میدهد که اگر طرف مقابل شان وجیبه خود را ایفانکند . مقاوله خود را لغو کرده و مبلغ مندرجه برات را به اخذ کنده بپردازد . برخلاف مقابل حاملین بعدی هر امضا کننده توسطاً اعلا میه یکجانبه خویشتن را مدیون خواهند ساخت . این وجیبه مجرد از ابتداء احتمالی بوده چه شاید اخذ کنده برات را محافظ نموده و احلا ظاهر نویسی نکند اما مجرد ظاهر نویس یک وجیبه مجرد بوجود نمی آید .

این نظریه نسبه به نظریاتیکه قبل از نظر گذراندیم نسبتاً بهتر بوده ولی مانند آنها قابل انتقاد من باشد . هنگامیکه لسکو از مقاوله توکیلی حرف من زند یک نکته را فراموش کرده که این توکیل تحت قواعد و دستاییر خارج حقوق تبارانه بوده و تشبيه آن به مقاوله عادی توکیل فکر سالمی نیست .

۳- نظریات دانشمندان آلمانی در مورد استارت تجاری :

۱- نظریات عمل ارادی یک جانبی : علمای زیردرین باره ابراز نظر نموده اند . این نظریه میدهد که " میز ترین صفت برات عبارت از آنس" که برات یک سند وجیبه و یک پول حقیقی تجارت بوده که در معاملات تجاریه عیناً رول بانکوت را بازی میکند . چه برات مفهم مقاوله را مضمونبوده شخصیکه آنرا خلق میمند مقابل جمیعت یک تعهد رسمي من نماید که مبلغ مندرجه آنرا حین رسیدن موعد توسط مخاطب پرداخته و یا خود تادیه میکند " .

تهرگوید " بعقیده اینرت امضا کنده برات خویشتن را مقابل جمیعت مسئول ساخته و تعهد میکند که امضا خود را احترام خواهد کرد . در صدور برات صادرکنده خویشتن را توسط کدام مقاوله مخدوحتی مسئول پرداخت نساخته تنها خویشتن را مسئول پرداخت ساخته بدون انکه موضوع گدام نوع مقاوله در میان آید . "

۲- نظریه مقاوله شکلی : از طرفداران این نظریه لبیه است که آنرا مقاوله شکلی گفته ولی خواسته است این سند را مقاوله حقوق رومن نزد یک سازد . مشارالیه بر رضایت صادرکنده اهمیت کلی را قایل نشده بلکه منشاً وجیبه تهادلوی را در مقاوله شکلی اعلامیه

تبار لوى مى پندارد . درجای دیگری علاوه مى کند " ادعای که حامل اقامه مىکند یا ثبات صحت تعهد اولى صادر رکنده و دلیلیکه این وجیبه را بین آورد متعلق نبوده و قاضی تنها جستجو مىکند که آیا مولد وجیبه یعنی شکل سند لزنسگاه حقوقی صحیح است یا خیر ؟ باوصف وجود این نظریه نمیتوان از صحت دلیل حقوقی که موجب صدور برات گردیده بلکن منکرشد چه صادر رکنده میتواند وقتیکه ازین مقاوله بوجود آمده مقابله اخذ کنده اولی اقامه نماید .

۳- نظریه مقاوله مجرد : تهول : در برات موجود یت تخصیص وجه پرداخت را مشاهده نموده گوید این تخصیص وجه پرداخت در هر برات مضمون بوده اما از مناسبات حقوقی که باعث صدور یا خرید و فروش برات شده بلکن مجاز نیست . چیزیکه تخصیص وجوده به پرداخت تبار لوى را از تخصیص وجوده بپرداخت مدنی متفاوت میسا زد این است که صادر رکنده یک وجیبه متغیره تعهد کنده یعنی برات این چیز را تائید نمیکند که یک شخص به تاریخ موظف شد هو شخص دیگر به اخذ آن پول اجازه داده شده بلکه صادر رکنده یک برات محض تسلیم آن مدیون اخذ کنده می گردد قرار نظریه این عالم وجیبه معامله ایک مقاوله ناشی بوده اما یک مقاوله مجرد که عبارت از سپردن و تسلیم شدن برات تبار لوى باشد .

۴- نظریه ابتکار : این نظریه شباہت تامی بدکتورین اینتر را شته چنان می پندارد برات بمصر ابتکار مانند وصیت نامه داری ارزش حقوقی گشته ولی نتایج آن موكول به آن است که برات در تصرف شخص ثالث افتاد . هنگامیکه برات شرایط شکلی قانونی را تکمیل نموده و امضاء شد و وجیبه را بوجود می آورد که مشروط بتصرف شخص ثالث می باشد . اهمیت دارد که این انتقال تصرف عمدى بوده پا خلاف میل صادر رکنده از دست وی رفته باشد مثلا برات مفقود گردیده یاد زدی شده باشد .

نظریه فوق را بروفیسر (سلی) بصورت خوبی خلاصه کرده چنان می گوید . " شخص که برات را ابتکار می کند مالک آن بوده و حق دارد آنرا محو نماید بشرط آنکه هنوز برات بدست شخص دیگری نیفتاده باشد . اما اگر بوجه از وجوده (و پا خلاف میلش) بدست شخص دیگر افتاد شخص مذکور را این تعهد تعهد برات می گردد .

۵- نظریه صدور یافته یا مقاوله تبار لوى : طرفداران این نظریه چنان اظهار مینمایند ؟ وجایب تبار لوى در موقعی بوجود می آید که صادر رکنده آنرا صادر رکنده یعنی بایست صادر رکنده آنرا برخاییت خود با خذ کنده سپرده باشد . قرار این نظریه منشاء وجایب تبار لوى در یک مقاوله میباشد که این مقاوله عبارت از تسلیم دادن برات برخاییت کامل .

اگر سند مذکور بعد از امضا، از نزد صادر کنند و مفقود گردد یا انکه جبرای نزد شرکت شود، مجبور تبادله پول آن نصیحت باشد و لوگه حامل بعده سند خوشیابانه خویشتن را صاحب حق مشروع داند. زیرا الحظه قاطع برای وجیهه تبارلوی گذاشت امضا روی سند نبوده بلکه مکونع اصدار یا تسلیم آنست بر ضایعت کامل

۳- فواید اسناد تجاری:

اسناد تجاری دارای سه فایده عمدی هستند:

- ۱- وسیله نقل وجوه میباشد.
- ۲- وسیله کسب اعتبارند.
- ۳- کارپول را بنمایند.

۱- اسناد تجاری وسیله نقل وجوه هستند: منظور از نقل وجوه اعم است. از اینکه نقل از دارائی شخص بدارائی شخص دیگر شود و یا اینکه از محلی بمحل دیگر برود. در تجارت یک رشته معلمات تجار را نسبت بیکدیگر مدیون و یا دلین مینماید. وقتیکه تاجری بتاجر دیگر که در محل اقامت او است مدیون میگردد ممکن است مقدار دین خود را بپول رایج باو تحويل دهد.

ولی همینکه محل اقامت داین و مدیون جدا بوده و فاصله زیاد را شته باشد. بودن پول کارآسان نخواهد بود زیرا مستلزم مخارج و حمل و نقل و بیمه وغیره خواهد بود. این اشکالات وقتی است که طرفین معلمته در دو کشور مختلف باشند. بعلت مقررات گمرکی وغیره وبعد مسافت و زیاد شدن مخاطرات حمل و نقل میسر نمیشود. بعلاوه بین دو شخص و بین دو محل و یا دو کشور معمولاً متقابل میشود.

مثلاً احمد تاجر کابلی در نتیجه خرید آلوبخارا از محمود تاجر غزنی مبلغ ده هزار افغانی مدیون میگردد. از طرف دیگر همان احمد در اثر فروش کاغذ به محمد تاجر غزنی مبلغ ده هزار داین میشود. بجای اینکه محمد مبلغ ده هزار افغانی وجه نقده را از غزنی به کابل بفرستد و احمد در مرتبه این وجه را برای محمود لراسال دارد کافی است که احمد طلب خود را از محمد بوسیله سندی به محمود واگذار شود. چون محمود و محمد در یکجا هستند دو دین و طلب بین دو شهر تصفیه میگردند. بدون اینکه حمل و نقل پول لازم شده باشد و نیز ممکن است که روابط مذکور بین چهار نفر باشد باین معنی که احمد به محمود ده هزار افغانی مدیون باشد و از طرف دیگر زمان تاجر کابلی معادل همان مبلغ از محمد تاجر غزنی داین گردد بجای آنکه هر مدیون مبلغی وجه از شهری به شهر دیگری برای داین خود بفرستد.

احمد تاجر کابلی مدیون نزد زمان تاجر کابلی را این رفته در مقابل پرداخت ده هزار افغانی طلب اورا از محمد تاجر غزنی خریداری نموده و برای محمود را این خود میفرستد و با این ترتیب از حمل و نقل وجه خود داری میشود همین ترتیب بین رائین و مدیونین که در دو کشور مختلف رقابت دارند صورت پذیر است . وهم ممکن است که بجای دو محل چند محل مختلف وارد این حساب شوند .

ناگفته نباید گذاشت اینکه برای هر فرد آسان بخواهد بود که اگر سندی دارد بفروشد و اگر سندی لازم دارد فروشند آن را پیدا کند . واسطه های ایجاد شده است که صراف یا بانکدار ننماید میشوند . این اشخاص یا موسساتی که شغل آنها صرافی و بانکداری است از یکطرف مطالبات را خریده و از ارفه دیگر بهر میزانی که لازم باشد بمشتریان دیگر میفروشند و کار نقل وجه از رائین به مدیونین بدون احتیاج به نقل و انتقال مادری زیاد انجام میباید .

هر یک از اسناد تجاری ممکن است وسیله این عمل کردند چنانچه ممکن است را این بعهده مدیون خود چک صادر کند و آنرا به را این خود بدهد . یا مدیون حجت ای نوشته بدهست را این خود بسپارد و او در صورت لزوم حجت را به را این خود واگذار شود . ولی را این زمینه سندی که بیشتر معمول است و بخصوص انتقال طلب را از شهری به شهری یا از کشوری بکشود دیگر بسهولت انجام میدهد برات است . بهمین جهت در بسیاری از قوانین تجاری در ابتدا شرط صحت برات این بود که بین دو محل مختلف ردو بدل شود یعنی ممکن نبود که تاجری در کابل بعهده تاجر دیگری که در شهر مزار شریف (قام) دارد برات صادر کند . ولی بعد از این شرط از بین رفت زیرا تحقیق شد که فایده برات تنها از جنبه نقل وجه نبوده و ممکن است وسیله اعتبار نیز باشد .

۲- اسناد تجاری وسیله اعتبارند :

بیشتر معاملات تجاری نسیه است زیرا تاجر معمولاً جز وسیله ای بین تولید کننده و مصرف کننده اجتناس نمی باشد . و بدین جهت در درجات مختلف تجارت تاجر باید مهلق داشته باشد . تاجرس را که از دست پیش خرید است بمشتریان خود بفروشد . قیمت جنس را بپردازد . برای اینکه خریدار از فروشنده مهلت بگیرد با وحجه میدهد و تعهد میکند که وجه را در سروعده معین بپردازد . یا اینکه بفروشنده اختیاری می دهد که معادل آن مبلغ و برای آن مدت براتی به عهده او صادر کند و او خواهد پرداخت . یا حجت وبرات که کس دیگر با وداده است بفروشندگان واگذار من نماید . ولی فروشنده نیز در

مقابل مقدار جنسی که فروخته و یک قسمت از وسیله کسب و کار او است مخلوچی در پیش دارد باید مزد کارگران و حقوق مستخدمین تجارت خانه خود را بپردازد . و از عهده مخارجی جاری لازم از قبیل کرایه محل و روشنایی و سوخت وغیره برآید . خلاصه احتیاج بیول نقد دارد برای تهیه پول سندی که از خریدارهای خود درست دارد مورد استفاده قرار میدهد یعنی اگر تاجر دیگری پول نقد دارد و حاضراست قرض بدهد . سند را بنام او انتقال داده و مبلغی از اصل آن کسر نموده وجه آنرا دریافت میکند . این عمل را تنزیل می نامند و تنزیل از مهمترین عملیات تجاری است زیرا معمول بودن آن بتاجر اطمینان میدهد که سند طلب او در هر موقعی قابل استفاده فوری خواهد بود . و این اطمینان موجب میگردد که به سهولت بخریداران خود اعتبار دهد . تنزیل گنده در مقابل قبول طلب صاحب سند و پرداخت وجه نقد به او سود و جه خود را بنخ روز و از تاریخ تنزیل تا تاریخ وعده طلب باضافه مخارج و حق الزحمه که برای وصول آن لازم است حساب کرده از تقاضا گنده تنزیل مطالبه میکند و از وجه سند کسر میگارد . چون بپیدا کردن تاجری که درست معادل مبلغ سند بخواهد قرض بدهد آسان نیست ، واسطه های مخصوصی برای تسهیل عمل تنزیل پیداشده است و آن عبارت از بانکها میباشد .

بانک در حقیقت واسطه بین اشخاص است که پول خود را من خواهد بکار ببراند از ندو آنها یکماحتیاج بقرض گرفتن دارند بنابراین هرچه پول باسپارند قبول میمند و اسناد تجاری را با آن پول ها تنزیل میکند . باین تاریق اسناد تجاری وسیله کسب اعتبار شده و بتجارت خدمت بزرگ من نمایند .

۳- اسناد تجاری وسیله پرداخت می شوند :

اگر تاجری که جنسی می فروشد در مقابل آن سند تجارت گفته باشد میتواند بجای آنکه انرا وسیله اعتبار قرار دهد . در برتریکه فروشنده ای که جنس با و میفروشد حاضر شود . آن سند را در عوغ پول با و او گذاری میکند .

چون اسناد تجاری بر طبق مقررات قانون ضمانتهای متعدد دارد و با اطمینان قبول میشود تاجر حاضر است آنرا بجای پول بپذیرد زیرا من داند که خود او نیز آنرا در موقع لزوم بگردی انتقال داد و این عین استفاده ای است که از پول میشود .

اسکناس در حقیقت یک سند تجاری است که بعد اعلی جریان آن سهل شده است . در وجه پائین تر ، اسناد تجاری در معاملات بین تجار همان فایده را دارا من باشد .

اسنادی که با اسم شخص معین یا بحواله کرد او صادر میشود . برای انتقال محتاج است باینکه

دارند ه آن در پشت ورقه شرحی دایر برداگذاری بدیگری بنویسد . ولی قید در وجه حامل موجب آن می گردد که سند بدون هیچ مقرراتی از شخص بشخصی دیگر انتقال یابد و مانند اشیاء منقول بصرف انتقال از دست بدست دیگر مالکیت آن منتقل شود . اگر سند دارای وعده باشد برای واگذاری آن باید ترتیل آنرا کسر کرد . ولی استنادی که برویت قابل پرداخت باشد دیگر هیچ مانعی برای جریان نداشته و مانند پول واسطه مبارلات می گردد .

تنها چیزی که تاحدی جریان آنها محدود می گرد این است که استناد تجاری در نتیجه معامله مخصوصی و بملغ معینی صادر میشود که عین آن مبلغ ممکن است مورد معامله دیگر نباشد بهر حال استناد تجاری اعم از برات یا حجت یا چک تاحدی کارپول رامی گرد .

۴- فرق استناد تجاری از سایر استناد :

نیایست برات ، حجت و چک را با سایر استناد تجاری متجانس شمرد . گرچه در سایر استناد تجاری مانند علم و خبر بحری ، رسیدگدامهای عمومی ، سند بیمه و رسیدهای تجاری استعمال شرط «والله (به امر او) معمول بوده و در اثر این شرط استناد فوق معلم لوی گردیده ولی از قواعد خاص برات ، حجت و چک صرف یک دسته ه آن عبارت از تساندمد یونین و عدم استعمال دفع شخصی باشد ، سایر دساتیر آن از قبیل قبولی انقضای موعد تاریخی و مرور زمان درباره آن نافذ نیست .

فرق برات ، حجت و چک از سایر استناد تجاری در ممالکی که تحت تأثیر قانون متحده است می باشد خیلی بسیط است زیرا در کنفرانس فوق فیصله شد که باید کلمه «برات و حجت و چک» در متن استناد تحریر یابد . ولی در انگلستان و ممالکی که تحت نفوذ حقوق این خاک است فرق برات ، حجت و چک از سایر استناد تجاری نهایت مشکل است چه در این ممالک نوشتن کلمه برات ، حجت ، چک روی سند اختیاری است .

اصولنامه تجاری افغانستان در فقره (۱) مواد ۴۷۱ ، ۵۴۵ ، ۴۶۱ تذکر نوع سند را اجباری قرارداده و هر یک آن بدین عبارت تحریر یافته :

ماده ۴۷۱ : « کلمه برات در متن سند بهر زبانیکه برات تحریر یافته باشد »

ماده ۵۴۵ : « تحریر کلمه حجت پرتوی سند بهر زبانیکه حجت نوشته شده باشد » ماده

۵۴۹ : « در متن سند ذکر کلمه چک »

۵- اشکال اسناد تجارتی :

قانون هیچ ملکتی شکل خاص را برای برات، حجت و چک مجبوری قرار نداده.
تنها موجود یت یک دسته تذکرات را مجبوری میداند، معمولاً شکل برات، حجت و چک قرار
ذیل است.

۱- دریک برات موجود یت سه شخص بنظرمن خورد (صادر کننده برات) TRASSANT

۲- تاریخ کننده (TRASSAT) ۳. فایده برنده .

(شکل برات)

۲۰۰- افغانی

کابل ۶ جدی ۱۳۴۹

لطفاً در اول حوت ۹۴ به ارائه این برات مبلغ
دو هزار افغانی

قرار امضا شاغلی عبد الصبور خان در قند هار تاریخ نمائید.

به شاغلی محمد عظیم د کان ۱۵ دروازه
قند هار هرات .

کابل عبد الطیف

۲- حجت تجارتی : در این سند موجود یت د شخص بنظرمن خورد (امضاء کننده) سند

۲- اخذ کننده (REMITTENT)

(شکل حجت تجارتی)

۲۰۰- افغانی

کابل ۶ جدی ۱۳۴۹

در اول دلو ۱۳۴۹ بد مقابلاً این حجت مبلغ

دو هزار افغانی

قرار امضا شاغلی احمد جان در اطاق ۸ سرای زرد اد کابل
خواهیم پرداخت .

سرای زرد اد کابل عبد الطیف

۳- چک : در چک نیز موجود یت سه شخص بنظرمی خورد ۱- صادر کنند (TRASSA)

۲- مخاطب (Trassee) ۳- مفاد برند (Remittent)

(شکل چک)

د چک نمبر	۱۲۴۰
د حساب نمبر	۶۸
مبلغ	۲۰۰ - افغانی
پشتی تجارتی بانک	
د احمد جان یاد رورنگی ته مبلغ دوه هزار افغانی ورکړي	
د چک درولوځای	
(کابل) نیته ۶ جدی ۱۳۴۹	
لاس لیک عبد الطیف	

۶- انواع اسناد تجارتی بمعنی اخض:

اسناد تجارتی بمعنی اعم عبارت از کلیه اسنادی خواهد بود که در تجارت مستعمل است و در اینصورت عدد آنها محدود نمیباشد . ولی بمعنی اخض مقصود از اسناد تجارتی است که قانون تجارت برای آنها مزیای مخصوصی قابل شده است که مهمترین آنها اضمانت کلیه اشخاصی است که آنها را امضاء مینمایند . بهمین لحاظه بهمین عنوان است که در اساسنامه بانک ها ، هند تجارتی را قابل توجه دانسته و اصولاً معتبرم شناسد . باین معنی اسناد تجارتی محدود و معین میگردند و بر حسب قوانین کشورها عدد آنها کم و زیاد میشوند .

در قانون تجارت افغانستان اسناد تجارتی عبارتند از برات ، حجت و چک است . در سایر کشورها غالباً یک سند دیگر هم اغافه میشود و آن دارانت است .

۱- برات : سندی است که بموجب آن شخص بدیگری دستور میدهد که به رویت یال وعده معین مبلغی دروجه شخص ثالث یا بحواله کرد او یا دروجه حامل بپردازد .

۲- حجت تجارتی : سندی است که توسط آن امضاء کنند و عوض آنکه امیر برداخت وجه را حین رسیدن موعد به شخص ثالث دهد خود شر تعهد میکند .

۳- چک : در اصولنامه تجارت افغانستان راجع به چک کدام تعریف نداره است . اصولنامه تجارت ایران در ماده ۱۰۳ چک را چنین تعریف نموده است : چک نوشته است که بموجب

آن صادرگشته وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاو یا قسماً مسترد یابد یگری و اگذار مینماید . . .

فصل دوم

(برات)

۱- منشاء و هدف برات :

برات از قدیم معمول بوده چنانچه در تجارت شرق و غرب بار اول در قرن ۱۲ عیسوی توسط تجار ایتالیوی در مبارلات پولی از یک محل بمحل دیگر استعمال میشد . درسابق نسبت به امروز در حمل و نقل دادن پول های نقد با خود بین دو نقطه نسبت راه های طویل تجاری خطرات زیاد موجود بوده ، خطرات ناشی از مفقودی و دزدی پول های نقد درسابق بیشتر بود . برای ازبین بردن خطرات مذکور از برات استفاده بعمل آمد . یعنی توسط یک مکتوب تبادلی بیکفر معامله دار خود در محل دیگر هدایت صادر می کرد که یک مبلغ معینه را به واحد پولی محل دومی به شخص مورد نظر تادیه کند ، درین زمان مکتوب تبادلی بحیث وسیله تبادلی بدون تبادله خود پسول استعمال میشد یعنی توسط آن واحد پولی یک محل به واحد پولی محل دیگر تبدیل میشد . در جریان معاملات و امور تجارت کم کم احتیاج پیدا شد که "حواله کرد " و "انتقال " فریرات معمول شود . تا در قرن ۱۸ در اروپا اشکال عده انتقال منتفی گردیده و انتقال برات به اشخاص دیگر در ظهر برات رایج شد . سابقاً برات موقعی مصدقاق پیدا می کرد که از شهری دیگر بدیگر شهر صادر شده باشد . ولی در اوآخر قرن ۱۸ بر اثر رساله ای که یکی از حقوقدانهای معروف المان انتشار داد . این عقیده پیدا شد که ممکن است اشخاص مقیم یک محل به عهده همدمیگر برات صادر ننماید .

این اصل و منشاء تاریخی برات های اروپائی بوده که در حیات اقتصادی امروزگلیه ممالک جهان مروج میباشد . برات با ترقیات و اکشاف بزرگ تجارت و مواصلاتی و صنعتی در نیمه دوم قرن ۱۹ اهمیت خاصی بخود پیدا کرد . برات در حقیقت یک نوع حواله ای است که در قانون مدنی تعریف شده ولی چون عمل تجاری است . مقررات خاصی درباره آن وضع گردیده .

۲- تعریف برات :

سندی است که بموجب آن شخمر بد یگری دستور می‌دهد که به رویت یا بوعده معین دروجه شخص قالت یا بحواله کرد او یاد روجه حامل که مبلغ معین را بپردازد.

۳- وظایف برات :

برات مهمترین سند تجاری است و تا وقتیکه بصورت امروزی در نیامده بود عملیات تجاری و بخصوص بانکداری فاقد بهترین وسیله بوده است. اما امروز برات در معاملات تجاری وظایف مهم را اجرامیدارد که در ذیل از چند وظایفه مهم و عده آن یار آور میشوند:

۱- بحیث وسیله کریدت (قرضه) :

گیرنده برات میتواند برات را بالای یک بانک بفروش برساند (بانک مذکور برات را با تنزیل قبول میکند) و بدین وسیله میتواند برای خود یک کریدت را فراهم و تهیه نماید. هم چنین برای مخاطب نیز برات یک وسیله کریدت است زیرا او خود را مکلف میسازد که قرضه اموال خود را بعد از تاریخ کند و تا آنوقت یک حصه اموال را بپول تبدیل نماید یعنی در اکثر مورد معامله تجاری اطوال نسبت به معامله برات مقدمت میباشد. مخاطب اموال را بکریدت حاصل و بدین ترتیب یک تعهد برات میدهد.

۲- بحیث وسیله تاریخی و وظول طلب :

برات وسیله تاریخی شده زیرا که صادر کننده برات میتواند - برات را بداین خویشن تنجددا بعوض تاریخ دین خود بدهد و بعلاوه میتوان برات را وسیله وصول طلب قرارداد باین معنی که شخص داین برات وصول طلب خود براتی بعد میتوان خود صادر کرده و من فروشد.

از مارف دیگر بواسطه حواله های متولی که میشود. و اجازه که دارنده برات میدهد که مبلغ آنرا بحواله کرد شخص بعدی بپردازد. موجب میشود که برات مثل پول جریان یافته و با آن پرداخت های متولی شود.

۳- بحیث وسیله تضمین :

مقررات شدید برات، مسئولیت مشخص آن و جریان سریع در دعاوی برات نسبت بدیگر طلبات عادی تضمین بیشتر میدهد.

۴- وسیله انتقال اعتبار :

یکی از وظایف عده دیگر برات عبارت از انتقال را در اعتبار میباشد. باین معنی طلبی را که وعده اش هنوز بسر نرسیده و قابل وصول فوری نیست. بصورت درمیاورد که برای داین تبدیل بپول نقد کرد و مثلا شکور خان از صبور خان هزار افغانی بوعده سه ماه

طلبان است . ولی امروز احتیاج بپول دارد برای بعده صبوخان صادر میکند . داین برات را ممکن است در نزد بانک یا تاجری برد و بانک یا تاجر مذکور یا تزریل برات را قبول کرده و مبلغ متباقی را برای شکورخان تادیه میکند .

؟— قانون برات اسلامی و انکشاف قانون جدید برات افغانستان :

قانون اسلامی در قرن هشتم عیسی حوق برات را نمیشناخت ، اصطلاح (حواله) و (مفتگه) با مفهوم امروزی برات منطبق میباشد . همچنین در برات اسلامی سه نفر طرف معامله قرار دارند یعنی صادر کننده برات (موهیل) دارنده (مبتهل) و مخاطب (مبتهل علیه) بهر حال حقوق اسلامی اغلب اساس احکام قران کریم یثاعتراف را در نیمورد نمایان میسازد .

نظر به حقوق اسلامی مجموع ریح که بنام دسکوئت یاد میشود از ابتداء در مبلغ برات باید شامل نموده و با این ترتیب موضوع ریح وسود از بین ممکن است .

صد وریک برات اسلامی بواسطه دچار مشکلات گردید که همه افراد یکه در مطلعه برات شامل هستند با دونفر شاهد نزد محکمه با ایست حاضر شوند تا قرارداد برات را عقد کرده بتوانند ، همچنین در اثنای ظهر نویس و در اثنای تادیه ، خنجر محکمه شرط بوده همچنین قانون چک اسلامی پروتکت (اعتراض) برات را نمیشناخت که این موضوع امروز یک مقرره قانونی ممکن را تشکیل میدهد که توسط آن برات یک وسیله تضمین شده میتوانست برعلاوه حقوق برات اسلامی نسیک قانون نامه تدوین نشده است بلکه در قرآن عظیم و در بیانات حضرت محمد (ص) (حدیث) و در عقاید و علمای حقوق اسلامی نمایان گردیده .

بنابران ممالک اسلامی حقوق برات اروپائی را (چه المانی و چه فرانسوی و چه انگلستانی) قبول کرده اند . در افغانستان تا ده سال قبل هنوز قانون برات اسلامی رایج بود در سال ۱۹۳۰ شرکت سهامی افغان تا سیس شد که این شرکت در سال ۱۹۳۳ به بانک ملی افغان تبدیل گردید . کم بعد از آن در کابل بانک دولتی تا سیس گردید از سال ۱۹۴۰ و غالباً در ۱۹۴۵ میلادی و مصنوعی بانکداری در افغانستان اهمیت زیاد کسب کرد . درین وقت بود که یک عدد شرکتها سهامی و نمایندگی های بانک ها در حیات اقتصادی افغانستان کسب اهمیت نمود .

توسعه بانکداری وهم چنین شرکت های سهامی افغانستان و پیدا شدن مناسبات اجباری اقتصادی باممالک خارجی نفوذ زیاد تر و بیشتر قانون برات اروپائی را در افغانستان

وارد نمود . لهذا بانکها و شرکتهای سهامی افغانستان مجبور بودند که با برات های اروپائی داد و ستد نمایند و از قوانین آن جدا پیروی کنند . باین ترتیب موضوعات تجارت در محاکم تجاری افغانستان را پروردیکه محکمه تجاری افغانی بالاخره را پرورد و تاسیس گردید . قانون برات اروپائی در ابتدای ^{می} ۱۴۱ دسمبر ۱۹۵۵ بحیث آخرین مملکت برات اسلامی بشدت و رایما نفوذ کرد . آن بنام (اوراق تجاری) یعنی برات ، حجت ، چک تدوین نمودند .

۵- ابتكار و صدور برات تبارلوی :

پروبلم اهلیت احداث یک برات در کنفرانس جینوا فیصله نشده و هر ملت در این امر آزار گذاشته شد . اصولنامه تجارت افغانستان راجع به اهلیت احداث برات تجویز خاص مقرر نفرموده . پس هر بالغ و هر شخصیت حقوقی حکم میتواند براتی را صادر کند . قرارداده ۹۲۵ قانون نامه وجایب سویں هر شخصی که توسط یک مقاوله مدنی خود راملف ساخته میتواند اهلیت اعداد برات را نیز دارا میباشد . چنان است که در این مورد پرسنلیتی های عمومی قانون مدنی تطبیق میگردد . باین اساس یک شرکت نیز توسط نمایندگان قانونی خود صلاحت کشیدن برات را دارا میباشد . شخصی که فاقد اهلیت باشد براتی را صادر کند از نگاه حقوقی برات مذکور بی اساس بوده وابدا وجیه را روی کار نمی آورد ناگفته نماند این ابطال همیشه مطلق نبوده و بعضاً نسبت میباشد ماده ۶۶۴ اصولنامه تجاری افغانستان راجع با مضای فاقد آن اهلیت چنان مینگارد " امضای اشخاصیکه واجد صلاحت و اهلیت در برات نباشد باعتیار و امضای واجد صلاحت اثری وارد نمیتواند " .

۶- شکل قانونی یک برات تبارلوی :

برای سند شکلی است و خلت آن توسط یک سند تحریری صورت میگیرد . برای انکه نتایج مذکور حقیقتاً روی کار آید بایست کلمه برات بروی خود سند تحریری باید . تحریر لفظ برات در لسانیکه اخذ کنده میداند ضروری نیست وهم چنان اجباری نیست که برات روی یک کاغذ تحریریافته باشد ، نوشتن روی چرم یک پارچه چوب وغیره کافی است . اصولنامه ما درین باره صراحتی نداشته و هنوز رویه محاکم در آن تقریباً حل نکرده ولی به نظر ماعینی نخواهد راشت که رویه محاکم مانیز مانند سایر ملل جهان نظر فراخ را شده باشد ، برات چاپی نیز معمول بوده تنهای امضای آن بایست بدست شده باشد .

چون برات حامل و جایب مخصوص است مقتن در شکل آن توجه خاصی نموده و موجود بست تذکرات هشتگانه اساسی را اجباری قرار داده که در صورت عدم وجود این تذکرات برات یک برات نامکمل شناخته خواهد شد.

۷- اجزای برات تبادلی:

الف- اجزای قانونی برات: ماده ۴۲۱، اصولنامه تجارت افغانستان هشت جزقانوی را برای برات تبادلی مقرر نموده:

- ۱- گلمه برات در متن سند بهر زیانیکه برات تحریر شده باشد.
- ۲- امر تاریخه یک مبلغ معین بدون تحدیدات.
- ۳- اسم شخصیکه تاریخه را ایفا نماید (مخاطب)
- ۴- لامون خمینیکه تاریخه را
- ۵- موعد تاریخه
- ۶- محل تاریخه
- ۷- اسما شخصیکه پول را اخذ می کنند یا انکه به امر او تاریخه صورت می گیرد.
- ۸- محل و تاریخ صدور برات
- ۹- امضای صادرکننده برات

و پرطبق مبلغ ۴۲۲ سندی که یکی از مندرجات ماده ۴۲۱ را حاوی نباشد ماهیت برات را نخواهد داشت به استثنای حالاتیکه در فقرات ذیل ذکر گردیده است:

- ۱- براتیکه موعد تاریخه در آن ذکر نشده باشد عند الرویت قابل تاریخه دانسته می شود
- ۲- در برات که محل تاریخه ذکر نشده باشد محل اقامه مخاطب محل تاریخه شناخته می شود
- ۳- برات که در آن محل صدور ذکر نشده باشد محل اقامه صادرکننده محل صدور شناخته می شود.

پس قانون تجارت رعایت مطالب فوق را شرط اساسی برات قرار داده است. اکنون هر یک از شرایط مذکور را مورد مطالعه قرار می دهیم:

۱- قید کلمه برات:

قید کلمه برات مفید این فایده است که برات رهنده و اشخاصیکه طرف معامله هستند بد انند چه نوع سندی را امضا می کنند زیرا برات سندی است که مشمول مقررات قانون تجارت می شود. و در عین حال که تسهیلاتی در تهیه و جریان آن شده است از جهت خمامت اجرای آن سخت گیری بعمل آمده است.

ممیزه خاص این سند چنان است که کلمه برات را نمیتوان به هیچ کلمه^{*} تبدیل نمود کلمه **Exchange** یعنی تبادلوی دارای اهمیت است . ولی اصولنامه تجارت - افغانستان کلمه برات را شرط را نسته اما چون اصطلاح برات عموما در سایر اسناد نیز استعمال میگردد . بهتر بود برات تبادلوی استعمال میشد تا اشتباہی رخ نمی داد . اصولنامه تجارت افغانستان در بند اول ماده ۷۱ راجع به قید کلمه برات چنان تحریر نموده است^{*} باایست کلمه برات در متن سند به رزبانیکه برات تحریر یافته باشد . یعنی متن برات به رزبانیکه تحریر یافته باشد باایست کلمه برات نیز به همان لسان نوشته شود به این اساس قرار حقوق افغانستان تمام شد باید بیکسان تحریر یافته باشد تفاوت ندارد که از لسان های داخلی باشد یا خارجی .

کلمه برات را در المانی وکسل (**letter of change**) در انگلیسی بیل آف اکس چنج و در فرانسوی لیتری دی چانج و در هسپانوی و پرتغالی لیترادی کامبیو - **compra de cambio** من نامید .

۲- امر تاریه یک مبلغ معین بدون تحديدات : قراریکه در ماده ۷۱ مذکوره اصولنامه تجارتی افغانستان دیده میشود حواله پول نباید شرطی باشد " امر تاریه مبلغ معین بلا قید و شرط . " راجع به استعمال کدام جمله شکلی قا نون مقررات وضع نکرده اما عموما چنان نگاشته میشود (لطفا تاریه دارید) تفاوتی ندارد اگر تحریر یابد (شمارابه تاریه امر می کنم یا (شمارا به تاریه دعوت من کنم) یا (محضر تاریه نماید) .

حواله عبارت از دعوت تاریه یک مقدار پول بوده و در اجناس صورت نمی گیرد ازانجا که ماده ۷۱ تاریه مبلغ معین ذکر نموده فرقی ندارد اگر حواله به پول مروجه مملکتی باشد که برات در آن ابتکار یافته یا خیر ؟ فقط تعیین مقدار پسول کفايت میکند هم چنان ضرورتیست مبلغ قابل پرداخت به حروف یا ارقام تحریر یافته باشد . اما اگر روی یک برات یکباره به حروف و یک بار به اعداد تحریر یافته باشد در صورت اختلاف مبلغ تحریر شده به حروف معتبر است . اگر روی براتی مبلغ قابل تاریه دوباره به حروف یا دوباره به اعداد نگاشته شده باشد و اختلافی رخ ندهد کمترین مبلغ تحریر شده معتبر است یعنی مبلغ که کمترین هر دو باشد قابل اعتبار میباشد ماده ۷۵ اصولنامه تجارت افغانستان در برایکه مبلغ هم بحروف و هم با رقم تحریر شده باشد اگر بین هر دو تفاوت موجود شود مبلغیکه با حروف تحریر گردیده معتبر است . در برایکه مبلغ تنها با

حروف و یا تنها با رقم تحریر شده باشد و درین آنها تفاوت موجود شود به مبلغ اقل اعتبار داده میشود .

همچنین طبق اصولنامه تجارت افغانستان نوشتن تحریر تاریخ به اعداد مجاز میباشد .

۳- اسم شخص که برات را تادیه من کند :

از بدیهیات امر این است که معلوم شود برات به عهده چه کسی حواله شده و چه کسی باید وجه آنرا پردازد و دارنده برات برای قبول یانکول باید به چه کسی مراجعه کند .
و الا اگر نام تادیه کنند موجه برات معلوم نباشد اساساً صادر نشده است .
گرچه از طرف قانون کدام محل خاص برای نوشتن اسم مخاطب (تادیه کننده) تعیین نشده ولی قرار عرف تجاری ظرف راست و در اخیر برات تحریر می یابد .

۴- موعد تایده :

موعد تادیه عبارت از تاریخی است که آنروز برات پرداخته شود . اگر لالغفرض روز مذکور در ایام تعطیل میباشد . قرار ماده ۵۰۰ اصولنامه تجارت افغانستان
اگر موعد پرداخت فاتحیل تصادف کند باید روز بعد از تعطیل تادیه شود همین قاعده در مورد سایر اوراق تجاری نیز رعایت خواهد شد .

انقضای موعد تادیه بجز چهار صورتیکه قانون بیش بینی نمود تعیین شده نمیتواند :

۱- برات تبارلوی عند المطالبه : عبارت از براتی است که بمحضار رویت فوراً قبل تادیه میباشد قانون شکل این نوع برات را بیش بینی نکرده و معمولاً اصطلاحات ذیل مستعمل است " بمحضار رویت " ، " " ، " " قرار خواهش ، " " و یا " عند المطالبه " وغیره .

۲- برات تبارلوی که بیک فاصله از رویت واجب التأیید من باشد : عبارت از براتی است که انقضای موعد تادیه آن بیک تاریخ معین از روز رویت برات بسر من رسید ولن رویت آن بایست بصورت واضح تصدیق شود عموماً در برات فوق نگاشته میشود : برات هذا بایست در ظرف دو ماه یا سه ماه وغیره به مقصد تادیه ارائه شده و ده روز پس از ارائه قابل تادیه من باشد .

قراریکه دیده میشود انقضای موعد تادیه این گونه براتها ازابتداً معلوم و مشخص نبوده و بخود حامل برات تعلق دارد . چه در برات نگاشته شده ده روز بعد از ارائه تادیه شود و معلوم نیست کدام روز حامل برات را به مقصد تادیه ارائه من کند یعنی حامل مختار است

در ظرف مهلتیکه از طرف قانون تعیین شده برات رایه مقصود تاریه ارائه نماید . ولی یک نکته را نبایست ناگفته گذاشت که حامل مجبور و مکلف است در مهلت مفاد وی یا قانونی که برایش تعیین شده برات را به مقصود تاریه ارائه نماید .

ماره ۳۰۵ اصولنامه تجارت افغانستان راجع به موضوع فوق چنان تحریر یافته " براتیکه تاریه آن به ارائه مشروط باشد لازم است در موقع ارائه تاریه گرد و براتیکه تاریه آن در یک مدت معین بعد از ارائه باشد حتماً باید در ظرف مدت که برای جهت قبول مشروط باشد ارائه شود " .

۳- برات تبادل‌لوی مدتی : - عبارت از براتی است که در یک مدت معینه بعد از تاریخ ابتکار واجب التاریه می‌گردد روی برات مدتی چنان تذکار می‌باشد " یکماه بعد یک سال بعد وغیره تاریه شود " ، مقصود از یک ماه پس " یکماه بعد از ابتکار برات است " یعنی درست یکماه بعد از تاریخ ابتکار برات مثلاً اگر روی برات نگاشته شده که یکماه بعد تاریه دارد . و برات ۱ حمل ابتکار شده گویا ۱ شور همان سال قابل تاریه می‌باشد . ماره ۵۰۵ اصولنامه تجارت افغانستان راجع باین موضوع چنان انتشار شده ، براتیکه بیک یا چند ماه بعد از تاریخ صدور یا بعد از ارائه واجب التاریه می‌باشد معیار تاریه آن تاریخ مقابل همان ماهی است که در آن تاریه " صورت می‌گیرد " .

و اگر تاریخ موجود شده نمی‌تواند روز اخیر ماه موعده تاریه شمرده می‌شود . اگر برات برای تاریه در یک یا چند ماه و نیم اصدار شده باشد اول باید ماه‌های کامل را حساب کرد اگر موعده برات ابتداء و نهایت ماه تعیین شده باشد مقصود ازین تغییرات پانزده روز اول و آخر ماه است . درینجا یک کلمه که عبارت از وسط ماه باشد روی ماه اصولنامه مابنظر نص رسید که شاید سه‌ها می‌باشد یعنی اگر جمله فوق را تصحیح کنیم چنان تحریر می‌باشد : اگر موعده برات ابتداء ماه ، اوسط ماه و نهایت ماه تعیین شده باشد ،

مقصد از این تغییرات اول پانزده روز اخیر ماه است ، ذکر هشت یا پانزده روز یک

و یا دوهفته نبوده بلکه هشت یا پانزده روز حقیقی است یعنی نیم ماه به ۱۵ روز اطلاق می‌شود .

۴- برات تبادل‌لوی با تاریخ معین : روز تاریه برات مذکور معین و مشخص بوده و روی برات نگاشته می‌شود در روز در حوت ۹ ۱۳۴ تاریه شود .

جز این چهار نوع انقضای موعده تاریه که قانون صراحتاً تشتت نموده نمی‌توان شکل دیگر موعده تاریه تعیین نمود چنان است که قانون صریحاً سایر اقسام انقضای



قرارداده مثلاً روی یک برات نوشته نمی توانیم در ۲۱ یا ۲۲ حوت پرداخته شود و امثال آن اصولنامه تجارت افغانستان در تبصره ماده ۵۰۲ چنان دستور میدهد "برات های خارج از موعد فوق یا برات هاییکه تاریخه آن مقید به اقساط شده باشد باطل است ناگفته نماند انقضای موعد از تذکرای لازمی برات تبارلوی شناخته نشده بلکه تذکار ذاتی و طبیعی آن میباشد . یعنی در صورت عدم وجود انقضای موعد تاریخه برات باطل شمرده نشده بلکه قانون این نوع برات را برات رویت یا عند المطالبه من شناسد چنانچه در بنداول ماده ۴۷۲ چنین تذکر میدهد که "براینکه موعد تاریخه آن ذکر نشده باشد عند الرویت قابل تاریخه دانسته میشود " ،

اصولنامه تجارت افغانستان از هر نوع انقضای موعد بصورت صريح اسم برد و طرزچهارم آن را که عبارت از برات رویتی است بصورت خمنی تذکرداره است .

۵- محل تاریخه :

این شرط نیز یک تذکار لازمی نبوده بلکه یک تذکار ذاتی است زیرا عدم تذکار این محل (آدرس مخاطب) محلیکه در پهلوی اسم تاریخه گفده گان تحریر یافته محل تاریخه برات شناخته میشود .

ماده ۴۷۲ اصولنامه تجارت افغانستان چنین تحریر یافته است که "در براتیکه محل تاریخه ذکر نباشد محلیکه بعد از اسم مخاطب تحریر شده محل تاریخه شناخته میشود " ، ناگفته نگاریم که روی این برات میتران محل تاریخه را دریک جای دیگر یکه اصلاح مخاطب در آنجا سکونت نداشته باشد تعیین نمود . این نوع برات قرار اصطلاح حقوقی برات سکون نامیده میشود . ماده ۴۷۴ اصولنامه تجارت درین باره تصريح میدارد " تاریخه برات را میتوان در اقامتگاه شخص ثالث چه در محل سکونت مخاطب باشد و چه در محل دیگر مشروط نمود " ، وجه تسمیه برات سکون از جهتی است که برات مذکور از خود سکونت خاصی داشته که با است در همان محل بپرداخت یاقوتوی ارائه شود . مفهومی صدور برات سکون مخصوصاً از دو جهت میباشد -

- ۱- در حالیکه برات در مملکت دیگر سکون شود با سعار آنجا قابل تاریخه میباشد . علاوه بر احتلا فیکه از دوران برات مذکور نشافت میگند تحت اثر محکم محل تاریخه خواهد بود .
- ۲- اگر برات مذکور در داخل مملکت قابل تاریخه باشد اولاً مصرف انتقال پول را از بین برده ثانیاً اگر اختلافی رخ دهد محکمه محل تاریخه در قفسه اصل احکم می نماید .

چون برات در اثر یک مقاوله صورت میگیرد اخذ کننده برات مفاد خود را به صدور یا اخذ یک برات سکون سنجدیده عوض برات عادی ، برات سکون عاد رویا حاصل می نماید .

۴- اسم شخصیکه پول را اخذ می کنده یا انکه به امر او تاریخ صورت می گیرد : در این مورد عموماً دو فارمل نزیل تحریر می شود که هریک آن بذات خود حقوقاً مساوی بوده ولی دو می آن نسبت سه و لتش رجحان دارد .

۱- لطفاً به شاغلی احمد یا با مرایشان بپردازید .

۲- لطفاً قرار امر شاغلی احمد بپردازید .

فارمل دوم مختصر بوده و هرود و مفهوم را در آن واحد ارائه می کند . چون برای تعیین گیرنده برات تنها اسم یک شخص و یا یک شخصیت حقوقی مثلاً شرکت سپین زر کفا است می کند لازم نیست تحقیق شود که آیا شخص مذکور و یا شخصیت حقوقی موصوف موجود است یا خیر ؟ بعباره ساده تر اگر روی یک برات اسم یک شخص که ابداً موجود نبوده یا یک شخصیت حقوقی را که احلاً تشکیل نشده بحیث گیرنده برات درج باشد . برات مذکور بکلی صحیح بوده و این عمل از اعتبار آن نصی کا هد . اما اگر روی سند عوض اسم یک شخص رتبه و مقام او نگاشته شده باشد مثلاً والی کابل سند موصوف قرار نظریه اکثر علماء معتبر بوده ولی بعضاً چنین اظهار می کند که برات باعث احداث اشتباہات می گردد و اعتبار دادن آن دور از احتیاط خواهد بود .

نکته خیلی جالب اینکه صادر کننده میتواند خویشتن را گیرنده برات تعیین کند ماده ۴۷۳ اصولنامه تجارت افغانستان در این باره چنان تعیین شده " برات را می توان قابل تاریخ با مرکز رکننده یا دروجه صادر رکننده یا بحساب شخص ثالث تحریر کرد " . فارمولیکه در این صورت تحریر میگردد چنان است " لطفاً با مرکز خودم بپردازید " .

۳- محل و تاریخ صدور برات :

ذکر تاریخ صدور برات شرط لازم بوده ولی ذکر محل صدور شرط ذاتی است ، در فقره سوم ماده ۱۱۴ اصولنامه تجارت تحریر شد " براتیکه محل صدور آن ذکر نباشد محلیکه بعد از اسم صادر رکننده مذکور باشد محل صدور شناخته می شود " ، ذکر محل صدور دریک برات اهمیت خاصی دارد زیرا قرار پرسیب های حقوق بین الدول شکله قانونی برات از طرف قانون محل صدور تعیین میگردد .

ذکر تاریخ صدور برات نیز حائز اهمیت خاصی میباشد مخصوصاً در معاملات اهلیت حقوقی صادر رکننده و نتایج آن وهم چنان ذکر این تاریخ برای براتیکه تاریخ آن موقوف یک موعده از تاریخ صدور تعیین شده باشد خیلی با اهمیت است مثلاً اگر تحریر شده باشد یک ماه بعد و تاریخ صدور معلوم نباشد از روی چه فیصله میگردد که یک ماه بعد چه وقت خواهد بود .

۸ - امضای صادرکننده

برات ممکن است محیط برات دهند نوشته شده و با مضای او برسد ولی اجباری در این امر نیست . معمولاً برات را منشی تاجر نوشتما مضای او میرساند و تجار عده و بانک ها که برات زیاد صادر میکنند صورت آنرا چاپ کرده دارند و فقط جای مطالبی که قابل تغییر است خالی گذارد و اند که در موقع لزوم نوشته میشود و به امضاء من رسد .

قرارداده ۴۲۵ اصولنامه تجارت افغانستان "امضا" باید بارست خود شخص صورت گیرد . اهلیت اشخاص در تعهدات برات نظر به قوانین معینه دولت اشخاص تعهد کننده تثبیت من گردد .

صدرکننده با امضای خود تعامی مسئولیت را متعهد نمیگرد و تذکرایکه به امضاء شخص ضمیمه گردید تا خود را از ضمانت تادیه رهان نماید معتبر نمیباشد (ماده ۴۸۷ و ۴۲۹) . هم چنان در ماده ۴۲۷ اصولنامه تجارت چنین تذکراید است که "امضا اشخاصیکه واجد صلاحیت و اهلیت در برات نباشد باعتبار امضای اشخاصیکه واجد صلاحیت اند اثری وارد نمیتواند .

در هر حال امضاء برات هنده لازم است چه در غیر انصourt نه تنهان نوشته شامل مقررات برات نمیگردد بلکه اصلاً سندی وجود ندارد .

این بود پیرایط هشتگانه لازمی ذواتی برات که در صورت عدم وجود هریک آن برات مفهوم برات تبادله خود را باخته و اصول محاکمات تجارتی بدعاوی آن قابل استعمال نمیباشد .

ب : اجزای تجارتی :

اجزای تجارتی برات مقررات قانونی تثبیت شده حقوقی نمی باشد ولی هم در برات اجزای تجارتی موصوف عملای خیلی همانفع بوده و سهولت زیادی را در معاملات برات فراهم من نماید . درین مورد نیز در بانکهای خارج فورمه های چاپی مروج است .

اجزای تجارتی برات قرارذیل است :

۱ - نهره محل : - این موضوع تسمیلاتی را در موقع عدو برات محلات و مواضع کوچک فراهم من کند در افغانستان هنوز موضوع نمبر محل مروج نیست . طبعاً مفید خواهد بود که این موضوع در افغانستان مد نظر قرارداده شود . زیرا محل از اشتباه محلاتی که دارای عین نام باشند جلوگیری من نماید .

۲ - تکار محل تادیه : بدینوسیله در شناخت برات برای انسان سهولت پیش میشود که آیا برات مذکور یک برات محلی و یا یک برات ارسالی میباشد .

برات محلی : عبارت از همان براتی است که در محل شخص مکلف برات قابل تادیه میباشد.

برات ارسالی : عبارت از همان براتی است که بمقصد تادیه پول آن ارسال میگردد.

۳- تکرار روز بسر رسیدن موعد :

در حاشیه بالای برات ، نمره محل ، تکرار محل تادیه و روزبسر رسیدن موعد سه‌ولت را جهت حفظ و نگهداری برات در دوسيه ها و اجرای مقتضی فراهم مینماید.

۴- اضافه نمودن لفظ "نسخه اولی" :

درین جاخاطرشان میگردد که نسخه های متعدد برات صادر شده میتواند.

۵- تکرار مبلغ برات به ارقام :

مفید من باشد که مبلغ برات به ارقام تکرار گردد.

۶- نمره برات :

از طرف بانک بالای برات باتایه عنوان بانک درج میگردد . با عین نمره مسلسل برات مذکور در کتاب برات درج گردید که درینصورت گنترول سه‌ولت در گنترول آن واقع میشود .

جهت فهم پیشتر نمونه برات را با اجزای قانونی و تجاری آن طبق ذیل توضیح میگردد .

همچنین درین جای اجزای قانونی با ارقام عربی و اجزای تجاری با ارقام رومی علامه گذاری گردیده است .

"شکل برات"

III ۱۳۴۹ میزان	II کابل	IV ۱۳۴۹ اسد	
	I نمره کل	VI محل و روز صدور	
	V ۲۷ نمره برات:	I	
		۲۷ نمره برات:	
		مقابل این برات نسخه اول تادیه نمایید بتاریخ . ۳ میزان ۱۳۴۹ به	
		۴	
	V افغانی - ۱۰۰۰	آقای عبد الصبور - کابل	
	مبلغ به ارقام	جاده میوند ۲۰	
		۳	
		افغانی ، ده هزار	
		پنج هشتاد	
		هزار و هشتاد	
		هزار و هشتاد و هشت	
		هزار و هشتاد و هشت	
	*	قابل تبدیر در: کابل	
	*	در بانک ملی کابل	
	*		
محمد حسن			
بام - شیراز			
۵۵۲			

۱- مطالبات اختیاری :

علاوه بر مطالبه که قانون قید آنها را در برات لازم شمرد و عدم رعایت دستور خود را موجب سلب امتیاز از سند نموده است در تجارت معمول میباشد که قیود دیگری در برات اضافه نمینماید . این مطلب اختیاری بود و بر حسب نظر صادر کنده برات و یا موقت فایده برنده در برات وارد می شود . بدینه است که هرچه را قانون منع نکرده است بر طبق عادات و رسوم تجاری ممکنست قید کرد ولی مطالبات عده معمول از اینقرار است .

۱- شرط بها : این شرط اشیائی را که گیرنده برات در عوض اخذ برات به برات دهنده سپرده یا خواهد سپرد تذکرمنی در هدالبته تذکر این شرط به افلاس مخاطب درای اهمیت خاص است .

۲- شرط ذخیره : - شرط هذا بدین صورت روی برات تحریر میشود " لطفاً مبلغ ۹۵۵۵ افغانی که در حساب من دارید یا لطفاً مبلغ ۹۵۵۵ افغانی که در آینده به حسأمن قید میدارید به شاغلی احمد یا با مر ایشان تاریخه دارید " .

شرط فوق مبلغ مندرجہ برات را فوراً داخل ملکیت حامل می نماید که اگر برات دیگری به عین ذخیره کشیده شود حق براتیکه شرط ذخیره را دارد مقدم است ولوکه تاریخ تاریخه آن بیشتر باشد .

۳- استحضاریت : - این شرط چنان تحریر میشود " لطفاً باساس استحضاریت بعدی مبلغ ۹۵۵۵ افغانی را با مر شاغلی احمد تاریخه دارید " در صورت وجود آن شرط روی یک سند تاریخه کنده مجبور است قبل از استحضاریت بعدی به قبولی در هد نه وجه را ببردازد . اکثر این شرط استحضاریت هنگامی در برات علاوه می گردد که فایده برنده برات و جیمه را بدش گرفته ولی صادر کنده متوجه نمیست که اخذ کنده و جیمه فوق را اجرام نماید یا خیر ؟ و بدین صورت با استحضاریت ثانی موکول میسازد .

۴- شرط تک پولی : - این شرط جز روی برات رویتی و برات هائیکه بیک فاصله از رویت قابل تاریخه باشد مجاز قرارداده نشده یعنی اگر روی یک برات دیگر مقدار تک پولی تعیین شده باشد . برات موصوف الفا نشده بلکه این شرط تحریر نشده تلقی می گردد .

چون در برات رویتی و برات یک فاصله از رویت موعده تاریخه با اختیار حامل بوده و نمیتوان مانند سایر برات حین صدور موعد انقضا را پیش بینی کرد بنابراین قانون تحریر تعیین تک پولی را در حین اسناد مجاز قرارداده در سایر برات که تاریخ تاریخه آن معلوم است تک پولی از اول سنجدیده شده باصل مبلغ برات اضافه میشود اگر اصل مبلغ قرضه ۱۰۰۰ افغانی بوده و برات

یکسال بعد قابل تاریه باشد تکت پولی آنرا سنجیده روی برات مبلغ ۱۲۰۰ تحریر میدارد ماده ۴۲۵ اصولنامه تجارت این مطلب را بطور بسیار تاریک و مفسوش بصورت ذیل بیان میکند "براتیکه عند الرویت یا در مدت معینی بعد از ارائه قابل تاریه باشد صادر کنده میتواند شوط گذارد که مبلغ تاریه تکت پولی را شته باشد در برات های دیگر تکت پولی معتبر است "

شرایط اختیاری که و جیبه تبارلوی را تغییرشکل میدهد :

۱- شرط سکونیت :

توسط این شرط صادر کنده میتواند یک شخص دیگری را غیر از تاریه کنده اصلی تعیین کند که حامل حین انقضای موعد مجبور به پرداخت وجه برات من باشد . اما قید این شرط یک شخص دیگر را موظف پرداخت میسازد که در اصولنامه تجارت افغانستان در ماده ۴۲۴ توضیح گردیده است .

۲- شرط عدم تضمین : - توسط این شوط برات دهنده مسئولیت عدم قبولی مخاطب را از دو شرایط میکند یعنی راهه بقبولی را منع قرارمند نهاد در این صورت حامل مجبور است تا انقضای موعد تاریه انتظار کشیده و آنگاه براترا به پرداخت ارایه کند قراریکه در بالاد پدیده شد اگر شوط فوق بروی برات تحریر نیافته باشد . حامل میتواند هر لحظه که خواسته باشد برات را به قبولی نزد تاریه کنده برد و در صورت عدم قبولی نامبرده اعتراض نامه رسمی ترتیب و فورا قبل از انقضای موعد پرداخت پول خود را حاصل دارد .

۳- شرط منع ظهر نویسی : - ماده ۴۸۰ اصولنامه تجارت چین حکم میکند "برات بوجوب ظهر نویسی قابل انتقال میگردد "، ولی صادر کنده یا یک ظهر نویس میتواند که ظهر نویس را توسط از دیار یک شرط منع قرارداده و دو ران برات را بکل عقیم سازد . مضمون این شرط چنان است " لطفا به شاغلی غلام محمد نه با مر مبلغ ۹۰۰۰ افغانی تاریه دارید " در سطر دوم ماده ۴۸۰ علاوه شده "..... اگر صادر کنده برات جمله " قابل انتقال نیست) و یا جمله دیگر یکه عین معنی را افاده کند نوشته باشد برات مذکور بطريق ظهر نویسی نقل شده نتوانسته تابع احکام طلبات غیر قابل انتقال است "

۴- شرط الغای معرف : توسط این شوط برات دهنده حامل را از مصرف اعتراض نامه رسمی عدم قبولی و پرداخت عدم تاریه معاف قرارداده و معمولا فارمول ذیل تحریر من یابد (بدون اعتراض نامه) یعنی موقعیکه برات را به قبولی ارائه میکند یا به تاریه و مخاطب از دادن قبولی یا تاریه ابامی ورزد . حامل مجبور است که مراسم ترتیب اعتراض نامه رسمی را اجرا نماید یعنی

یعنی و شیوه قانونی را در محض شخص صلاحیت داری که از طبیعت قانون پیش بینی شده خانه پری نکرده و امضای نامبرده را روی و شیوه نمی گیرد . درین مورد تنها کافیست میکند که در روی برات با بهر وسیله دیگر ثابت کند که تاریخ کننده از قبولی یا پرداخت انکار ورزیده .

۵- شرط منع ارائه به قبولی : — قراریکه در بالادیدیم حامل برات میتواند هر موقعیکه خواسته باشد برات را بقبولی مخاطب ارائه کند و اگر نامبرده از قبولی انکار ورزد فوراً علیه صادر کننده و سایر دایین دعوی اقامه کرده پول خود را قبل از انقضای موعده استحصال کند . ولن توسط این شرط صادر کننده میتواند ارائه بقبولی را منع قرار دهد دراین صورت بایست حامل انتظار بکشد که انقضای موعده و سررسد و آنگاه برات را بمقصد پرداخت ارائه کند در ماده ۴۷۶ اصولنامه تجارت افغانستان چنین مینگارد " قبول و تاریخ برات تحت ضعانت صادر کننده است ."

۶- شرط تحمیل ارائه بقبولی : — بصورت عمومی اگر ماده تحمیل ارائه برات بقبولی تصریح نشده باشد حامل میتواند از ارائه برات به قبولی خود داری کند زیرا ارائه برات بقبولی حق حامل است نه و جیبه او ، ولی در صورتیکه شرط تحمیل ارائه برات بقبولی روی برات تصریح شود . حامل مجبور است برات را بقبولی ارائه نکند حق دعوی تبادلی خویش را از دست داده سند مذکور بیک سند عادی تبدیل میشود

ماده ۴۹۱ این حالت را پترتیب ذیل حکمی کند " صادر کننده میتواند در برات برای قبولی مخاطب شرط مرور مدتی را قید کند و یا بدون مدت مکلف است حامل را در اخذ قبولی تحریر نماید ، برای تاریخ تاریخ آن به اقامتگاهو یا بعداز ارائه تاریخ آن بمرور مدتی مقید نشده باشد صادر کننده میتواند آنرا غیر قابل قبول بنویسد . "

۷- شرط توصیه : توسط این شرط برات دهنده یک شخص ثالث مثلاً نماینده تاریخ کننده را بموافقت مخاطب تعیین می کند که بایست حامل نزد او رفته برات را از طرف تاریخ کننده روی داده قبولی بگیرد یا انکه پول خود را حین انقضای موعده اخذ کند که عموماً بانک ها این عمل را با مرعامله دار خود برای وی اجرامیدارد .

۸- شرط وحدت نقل : — توسط این شرط برات دهنده تصریح میکند که سند مذکور تنها روی یک ورق نوشته شده و نقل دیگر ندارد .

۹- انواع برات :

۱- برات داخلی : — عبارت است از برایکه در یک مملکت صادر شده و در همان مملکت قابل تاریخ باشد .

- ۲- برات خارجی : - عبارت است از برایک مملکت صادر شده و در مملکت دیگری قابل تادیه باشد .
- ۳- برات تعویل : - عبارت است از طرف بانک در پاک مملکت به بانک دیگری در مملکت ثانی و معمولاً بمقابل استناد تضمینی که در نزد بانک دوم موجود است صادر می گردد این نوع برات برای مدت طولانی اعتبار دارد .
- ۴- برات تجاری : - عبارت از پاک برات تبادلی که حاوی تادیات مربوط حمل و نقل و مال التجاره میباشد .
- ۵- برات میعادی فروش : عبارت است از برایکه از طرف پاک فروشنده بالای پاک خریدار صادر گردیده و از طرف اخیر الذکر پذیرفته شده و وعده میگردد که در پاک زمان شخص مهلخ و حاصل بیچک را که حاوی فروش پاک مقدار اموال است تادیه میکند .
- ۶- برات میفادی : - عبارت از برایکه در پاک تاریخ آینده تادیه شده من باشد .
- ۷- برات تادیاتی : - عبارت است از برایکه بفرض تادیه ارائه میشود نه برای قبولی
- ۸- برات معتبر : - عبارت است از برایکه از لحاظ اعتبار پاک سند خوب قرضه شده بتواند
- ۹- برات استنادی : - برایکه استناد ضمیمه آن باشد .
- ۱۰- برات روپیتی : - برایکه ب مجرد ارائه قابل تادیه باشد .
- ۱۱- برات بدون ضمیمه : - برایکه اوراق ضمیمه نداشته باشد .
- ۱۲- برات سفید : - برایکه نام را ن در آن طویل کر نشده باشد .
- ۱۳- برات بانکدار : - برایکه بالای پاک بانک صادر شده باشد .
- ۱۴- برات کریدتی : - برایکه به مقابل کریدت مدیون صادر شده باشد .
- ۱۵- برات سهل التنزیل : - برات که به آسانی از طرف بانک تنزیل شود .
- ۱۶- برات سرمایه گذاری : - برایکه به نسبت سود پاکه در وقت بوعود رسیدن آن عاید خواهد شد اگون با پاک تنزیل خریده میشود .
- ۱۷- برات پیشکی : - برایکه پیش از رسیدن مال التجاره صادر میشود .
- ۱۸- برات پذیرفته شده : - برایکه تادیه پذیرفته میشود .
- ۱۹- برات قاره‌ئی : - عبارت است از برات قابل التادیه در قاره اروپا میباشد .
- ۲۰- برات اسعاری : - پاک حواله روپیتی یا میعادی ناشی از تادیات بیک مملکت خارجی یا از طرف مملکت خارجی بداخل مملکت صورت می گیرد . این اصطلاح گاهی در مورد حواله های داخلی نیز استعمال میگردد .

۲۱- برات تبار لوى : عبارت از سند یست که توسط آن صادر کننده برات یک شخص موظف میگردد که یا دروجه خودش و یا دروجه شخص دیگری دریک وقت معین یک مبلغ راتاریه نماید .

۲۲- برات ناقص : عبارت از براتی است که روی آن یکی از شرایط لازم بدون آنکه طرفین ملتفت شده باشد فراموش شده باشد .

۲۳- برات نامکمل : - عبارت از براتی است که نامکمل صادر شده و طرفین عقیده دارند که حین دوران تکمیل خواهد شد .

فرق این دو نوع برات (ناقص ، نامکمل) در عمل خیلی مشکل بوده چنان است اگر راجع به فرق آنها تردیدی حاصل شود بهتر خواهد بود که برات ناقص را برات نامکمل تلقی کنیم .
برات نامکمل یا توسط شخصیکه برات باوسپرده شد یا حامل بعدی تکمیل شده میتواند .

۱۰- وجایب صادر کننده :

صدر کننده از همه اولتر متضمن قبولی و تاریخ برات میباشد یعنی حین امضای برات صادر کننده مقابله اخذ کننده و یا ظهر نویسان بعدی و جیبیه قبولی برات را از طرف مخاطب پذوش دارد . علاوه بر صادر کننده به تاریخ کننده امر تاریخ مبلغ مندرجہ برات را من دهد . سبب حقوقی صدور برات چنانکه قبل از تذکار یافت شاید پرداخت قیمت بعضی اشیای باشد که فایده برندگان برات دهنده فروخته تسلیم داده و یا بعداً تسلیم خواهد داد . تذکرات این سبب حقوقی روی برات بنظر نرسیده و همچنان این تذکار لازم نیست .

صدر کننده تنها پرداخت قرضه را توسط تاریخ کننده تعهد نکرده بلکه قبولی برات را از طرف تاریخ کننده نیز تضمین می نماید ماده ۴۷۶ اصولنامه تجارت افغانستان .

هنگامیکه روی برات چنین تحریک یابد (لطفاً تاریخه دارید) در حقیقت گفته شده لطفاً قبولی داده بپردازید) بعباره دیگر حامل سند حقوق دوگانه ذیل را دارا میباشد .

۱- روز رسیدن موعد پرداخت حامل میتواند برات را نزد تاریخ کننده برد و در بدلتسلیم آن مبلغ مندرجہ سند را حاصل دارد .

۲- قبل از رسیدن موعد پرداخت حامل حق دارد برای معلومات خود برات مذکور را تزد مخاطب برد و قبولی پرداخت را حین رسیدن موعد بصورت قبلی پرداخت را حین رسیدن موعد بصورت قبلی در خواست کند ماده ۴۹۵ اصولنامه تجارت افغانستان چنین مینکارد " برات را قبل از رسیدن موعد از طرف حامل یا از طرف هرزوالیدی دیگری به محل اقامته مخاطب برای

قبولی من توان را به نمود ،

مقاؤله تبارله عبارت از مقاؤله است که بین برات و هنده و اخذ کنده حین تسلیمی برات انعقاد من یابد . برات سندی است که توسط آن صادر کنده تضمین قبولی و تاریخ را توسط مقاؤله فوق می نماید یعنی توسط تسلیمی صادر کنده با خذ کنده چنین تعهد میکند که مخاطب حین رسیدن موعد مبلغ مندرجه برات را بشما پرداخته و هم اگر لازم میدانید قبل نزدی رفته راجع به قبولی این پرداخت معلومات حاصل دارد .

ماده ۴۷۹ اصولنامه تجارت افغانستان تذکر میدهد "قبل و تاریخ برات تحت ضمانت صادر کنده است صادر کنده ممکن است خود را از ضمانت قبولی وارهاند ولی شرطیکه متضمن ابراء از ضمانت تاریخ باشد معترض نیست ، فامول معمولی عدم تعهد قبولی چنان است (بدون تعهد قبولی) اما قراریکه در موارد قانون افغانستان دیده شد صادر کنده به هیچ وجه نمیتواند تعهد تاریخ را از دوش خود ساقط کند . اگر چنین یک شرطی روی برات تحریر یافته بود که تعهد تاریخ را از بین می برد .

قرار قوانین قدیمه برات فوق بلکه باطل شمرده میشود . ولی قوانین امروز شرط را تحریر نشده تلقی نموده و برات را قابل اعتبار من شناسد . در اینجا سوالی بخاطر می گذارد که مقابل کدام شخص و جایب تبارلوی تعهد میشود ؟ و جایب صادر کنده تنها مقابل گیرنده اولی برات تعهد نشده بلکه مقابل جمله حاصل کنندگان و تمامی متصرفین بعدی برات تعهد میشود .

۱۱- قبولی برات :

۱- تعریف : قبولی تعهدی است که مخاطب راجع به پرداخت وجه مندرجه برات هنگام رسیدن موعد می نماید ، بعباره ساده تر توسط قبولی مخاطب وجه مندرجه برات را حین رسیدن موعد تعهد میکند قرار مقررات حقوق اسناد تجاری مخاطبی که قبولی دهد مدیون اصلی برات شناخته میشود .

۲- ارائه بقبولی : - حق ارائه بقبولی یک برات نه تنها به حامل شروع آن بلکه بهر متصرف برات داره شده ماده ۴۹۵ اصولنامه تجارت افغانستان درین پاره چنین مینگارد " برات را قبل از رسیدن موعد از طرف حامل و یا از طرف هر زوالیدی دیگری به محل اقامته مخاطب برای قبول میتوان ارائه نمود . "

قراریکه دیده میشود ماده ۴۹۵ طوری انشاء شده که شاید مغالطه را بوجود آورد . و تصور شود که شخص دیگری برات را از طرف حامل به قبولی را به نماید . اگر ماقسمت اخیر ماده

فوق (می توان ارائه نمود) ، ارائه شده میتواند تحریری می شد بهتر بود .

قابلی هر لحظه از تاریخ صدور آن انقضای موعد تادیه برات ممکن است اما در روز انقضای خت موعد ارائه بقابلی صورت گرفته نمی تواند ، زیرا آنروز اگر ارائه صورت گیرد ارائه بقصد پردا خواهد بود .

درخواست قابلی بایست در اقامتگاه مخاطب صورت گیرد . ولوکه هلات سکون هم باشد یعنی اگرچه برات در یک محل دیگر دور از محل اقامت مخاطب قابل تادیه باشد ، در برات بعد از ارائه بایست مخاطب تاریخ قابلی را در امضای خویش علاوه نماید .

۳- منع ارائه بقابلی :

صادر کنده میتواند با تحریر یک شوط اختیاری ارائه بقابلی را منع نماید . فارمول معمول این منع ارائه بقابلی چنین است (لطفا دريدل این برات تبادلوی که نباید بقابلی ارائه شود مبلغ)

درین نوع برات ارائه بقابلی کاملاً منع قرارداده شده و مقصود صادر کنده آنست که حامل نتواند تا حین انقضای موعد دعوی عدم قابلی را اقامه کرده و پول خود را قبل از آن حاصل دارد .

برات مذکور هنگامی صادر میشود که صادر کنده ذخیره ئی نزد مخاطب تهیه نکرده باشد تحریر تذکر فوق را ماره ۹۱ اصولنامه تجارت چنین مینگارد " صادر کنده میتواند در برات برای قابلی مخاطب شرط مرور مدتی را قید کند یا بدون مهیت تکلیف حامل را در اخذ قابلی تحریر نماید . برای تذکر کنده میتواند آنرا (غیر قابل قبول) بنویسد همچنان صادر کنده میتواند شده باشد صادر کنده میتواند آنرا (غیر قابل قبول) در صورتیکه از طرف صادر کنده قید (غیر قابل قبول) درج نشده باشد . هر ظهر نویس میتواند با تعیین یک مدت و یا بدون تعیین یک مدت برات را برای قابلی مشروط نماید . "

اهمیت عملی این نوع برات از انجاست که حق دعوی عدم قابلی را از بین می برد زیرا چنانکه قبل از اینکه حامل میتواند پس از صدور برات سند فوق را بقابلی ارائه کند ولوکه انقضای موعد پرداخت بسیار بعیدتر باشد و اگر مخاطب قابلی ندهد فوراً اعتراضیه ترتیب گردد دعوی را دایر و پول خود را از صادر کنده اخذ کند و جود این تذکار روی برات ، ترتیب اعتراضیه عدم قبول را ناممکن میسازد . و بدین صورت صادر کنده مجبور به پرداخت قبل از انقضای موعد تادیه نمی باشد تنها صادر کنده میتواند این شرط منع ارائه بقابلی را روی سند تحریر

دارد و این حق به هیچ یک از ظهر نویسان برات داده نشده است .
استعمال شرط منع ارائه بقبولی تنها بد و صورت ذیل قرار ماده ۶۹۱ اصولنامه تجارت افغانستان

چنانکه در بالا بنظر من رسد مجاز قرارداده نشده :

۱- در برات که انقضای موعد تاریخ آن بعد از ارائه بدت مشروط باشد زیرا درین مورد رویت برات ضروری است چون مهلت پس از رویت در حساب من آید .

۲- در برات مسکون : یعنی برای تکمیله غیر از محل اقامته مخاطب درجای دیگر قابل پرداخت باشد درین مورد مخاطب بایست از موجودیت اگاه باشد تا بالای شخص دیگری که در محل تاریخ برات است حواله دهد . درین مورد که منع ارائه بقبولی مجاز قرارداده نشده است .

۴- شکل قبولی :

قبولی توسط تاریخ کنده داده شده بایست روی خود سند تحریر گردید قبولی از طرف هیچ شخص دیگر جز مخاطب و یا نعاینده او داده شده نمیتواند .

فارمول قبولی لازم است که اراده قبولی را ارائه کند مثلاً (قبولی داده شده) امضا و تاریخ و امثال آنها .

اگر فارمول قبولی بصورت مکمل نوشته شده تفاوت نمی کند که در روی سند یا ظهر سند نگارش یافته باشد اما اگر قبولی دهنده فارمول مکمل قبولی را نه نوشته و تنها به امضا و تاریخ اکتفا کرده باشد درین صورت ضروراً است که امضا فوق در روی سند تحریر یابد .

قانون تجارت افغانستان اشکال قبولی ذیل را من شناسد .

الف : قبولی مکمل : یعنی قبولی صورت گرفته است . اول حوت ۱۳۴۹ عهد العبور

ب : قبولی نامکمل یا سفید : صرف از امضای مخاطب تشکیل شده ، این شکل هم معنی اعتبار دارد . چنانچه این مطلب را قانون تجارت افغانستان در ماده ۴۴ چنین اظهار می دارد : " قبولی بعباره " (قبول گردیده است) و یا بعباره " دیگر که مفید همین معنی باشد افاده میشود و از طیرف مخاطب امضا میگردد محفوظ امضای مخاطب مخاطب بروی برات هم در حکم قبولی است....." از قبولی سفید وقتی سخن رانده میشود که مخاطب در یک ورقه برات خالی یعنی در براتی که هنوز مبلغ آن شامل نگردیده آنرا امضا نماید و آنرا بصادر کنده واگذار شود که خالیگاه آن را پر کند . این نوع اجراءات برای مخاطب طبعاً فوق العاده خطر دارد . با لآخره صادر کنده میتواند سند برات را مغایر قراردادخانه پر نماید یعنی یک مبلغ زیاد تر نسبت به مبلغ موافقه شده در برات شامل نماید .

درین مورد طبعاً مسئولیت متوجه مخاطب میگردد .

در اروپا این نوع برات های سفید غالباً برای خریداران راده میشود که آن را در محل خرید یا در محل لیلام تکمل خانه پر نماید .

ج : قبولی یک حصه برات : راجع به این موضوع اصولنامه تجارت افغانستان چنین تحریر کرده است "قبولی باید بدون قید و شرط باشد . ولی مخاطب میتواند جزء از مبلغ محتویه برات را قبول نکند . تمام قیود دیگری که در قبول درج میشود . اگر مندرجات برات را تعديل نماید در حکم عدم قبول است معذرا لک قبول کننده بشرط در حدود شرطیکه نوشته مسئول است "

قراریکه از متن ماده هذا برهنی می آید قبولی یک قسمت پول مندرجه برات حائز است یعنی مخاطب میتواند یک حصه پول مندرجه برات را قبولی داده و مابقی آنرا رد کند . در این صورت تاریخ کننده تنها مسئول مبلغ قبول داده میباشد مثلاً مبلغ مندرجه برات ۱۰۰۰۰ افغانی است ولی مخاطب ۸۰۰۰ - افغانی آمرا قبولی میدهد .

حامل میتواند راجع به مابقی پول اعتراض عدم قبولی را اقامه نماید البته مقابل صادر کننده و ظهر نویسان ، مخاطب میتواند قبولی خود را بیک تاریخ بعدتر از انقضای موعد تاریخ تحریر دارد ولی این رفتار او عدم قبولی تلقی شده و حامل حق دارد اعتراض عدم قبولی را اقامه کند ولی مخاطب قرار سطر اخیر ماده ۴۹۵ در حدود شرط فوق مقید شورده میشود .
د - ضمانت در قبولی : - در ماده (۴۹۹ - ۵۰۱) راجع به ضمانت برات مفصل صحبت گردیده « در بعضی موارد مخاطب احتمالاً قدرت تاریخی را داشته نمیباشد و در تاریخ مبلغ برات قبول شده مشکلات بروز می کند در نصوص گیرنده برات از مخاطب یکفرضمان معتبرداً مطالبه میکند .

ضمانت یا اینکه در خود برات و یا دریک ورقه که در برات ضمیمه شده باشد ، درج میگردد و ذریعه الفاظ (بحیث ضامن) و یا یک کلمه دیگر که عین موضوع را تمثیل نماید ، از طرف ضامن امضاء میگردد .

در عبارت ضمانت باید تذکر داده شود که به حسابیکه ضمانت داده شده (ماده ۵۰۰) یک ضامن در برات مانند خود مخاطب مسئولیت دارد . یعنی که خود او مكلف به پرداخت وجه مندرجه برات میباشد اگر تاریخ بسر رسیدن برات بسربرسد ، درینصورت دارنده برات هیچ مجبوریت ندارد که برات را از مخاطب ارائه نماید بلکه میتواند فوراً ایفا تاریخ را از ضامن برات تقاضا نماید .

ه - قبولی افتخاری : - در ماده ۵۲۵ الى ۵۳۳ راجع به قبولی افتخاری تذکر رفته ، امکان دارد که مخاطب از نگاه مالی برای قبولی برات قادر نباشد اما نظر بیکی از دلایل نخواهد قبولی بدهد . درینصورت میتواند از یکفرضیق معامله دار خود خواهش کند که بعوض او بصورت

افتخاری قبولی بد هد تا جریان منظم برات صدمه نبیند شخصیکه قبولی افتخاری مید هد
مانند شخصیکه ملکیت قبولی را داشته باشد ملکیت پیدا میکند .

قبولی افتخاری باید در برات درج و توسط شخص قبولی دهنده امضا گردد (ماده ۵۲) توسط قبولی افتخاری ملکیت اشخاص دیگر در مورد رجعت به آنها از بین نعمرو
(ماده ۵۲۶) .

۵- در کدام فرصت بایست قبولی داده شود :

قانون نامهای سابق چنان مقرر می داشت " بمجرد رویت برات مخاطب قبولی داده یا
برات را رد کند ولی حین کفرانس جینوا (۱۹۳۰) چنان فیصله بعمل آمد : مخاطب
میتواند خواهش کند که برات دفعه ثانی در ظرف اقلال یک روز به او ارائه شود . مقصود از دادن
مهلت یک روز این است که تاریخ کننده در خصوص دادن قبولی یا انکار آن موقع تغیر را
پیدا کند چنان است که در صورت استعمال این حق ترتیب اعتراضانه معکن نیست ماده ۴۹۳۵
اصولنامه تجارت افغانستان نیز بدین اساس تحریر یافته " برات را که حامل برای قبولی
ارائه کند مجبور نیست به مخاطب تسلیم کند مخاطب میتواند فردای روزیکه برات با ارائه
شده باشد برای بار دوم طالب ارائه گردد . اگر حامل براتیرا که ارائه به قبولی آن توسط
تنذکار یک ماده اجباری قرارداد شده باشد در روز اخیر نزد مخاطب برای قبولی ببرد درین
صورت مخاطب حق ندارد مهلت قانونی را در خواست کند یعنی اگر در همان روز قبولی نداد
حامل حق ترتیب اعتراض را دارد .

۶- فسخ قبولی :

ماده ۴۹۸ اصولنامه تجارت افغانستان راجع به فسخ قبولی چنین تحریر یافته " اگر قبول
کننده قبولی را بروی برات نوشته باشد و قبل از تسلیمی برات بحال آنرا خط بزنند چنان محسوب
میشود که از قبول امتیاع نموده است ولی اگر مخاطب این قبول را بحامل و یا بیکی از اشخاص
امضا کننده برات تحریر اخبار و بعد از آن قبولی خود را خط زده باشد در دایره قبول خود
مسئول است "، قراریکه دیده میشود خط کشیدن روی قبولی تعامی وجایب قبولی دهنده را
از بین من برد . اگر تاریخ کننده (مخاطب) در یک سند دیگر قبولی خود را ابلاغ کرده باشد
مقابل همان شخص و جیبیه تبارلوی را متنضم میگردد مثلا در یک مکتوب به صادر کننده نوشته
باشد که فلان برات شماراقبول دارم باشم .

۷- نتایج حقوقی قبولی :

توسط قبولی مخاطب وجیبه پرداخت قرضه را در انقضای موعد تعهد من نماید چنانکه قبل نیز دیده شد توسط همین قبولی است که تاریخ کنده داخل مناسبات تبادلی میشود . اگر در موقع تاریخ پول را نیز دارد مانند سایر مدینین برات به ادائی جعله جهان خساره حامل مجبور میگرد راما بشرطیکه ارائه به قبولی در موقع لازمه صورت گرفته باشد . قبولی دهنده از عدم تاریخ وجه برات مقابل جعله دلایلی نیست کنده مسئول شناخته میشود و لو که صادر کنده هنوز ذخیره نیز تاریخ کنده تهیه نکرده باشد قبولی دهنده که پول را قبل از گرفتن ذخیره تاریخ کرده باشد کدام حق دعوی تبادلی را مقابل صادر کنده حاصل نمی کند این حق دعوی روی یک حق دعوی مدنی خواهد بود .

۱۲- استعمال برات :

دارنده برات برای قبولی از شش امکانات ذیل استفاده کرده میتواند :

۱- برات را میتواند تا روز تاریخ بسررسیدن موعد آن نزد خود نگهداشته و در روز معینه برات راجهت پرداخت نزد مخاطب ارائه و مبلغ برات را تحصیل مینماید .

۲- برات را میتواند ببیک نفر داین خود جهت ادائی دین خویش انتقال بدهد . بهر حال لازم نیست که یک داین برات را بعوض پول طلب خود قبول کند . زیرا تنها سکوکات و بانکوت هائیکه در افغانستان اشاعه یافته اند بحیث وسائل تاریخه^۱ فانونی محسوب میگردند . صرف در حالیکه اگر داین با اخذ برات موافقت نماید در اینصورت تاریخ دین توسط برات بعمل می آید .

۳- میتواند برات را گرو نماید .

۴- میتواند برات را ببیک موسسه کرید تا جهت رسکونت بسپارد . (اگر برات رامیفروشد) موسسه کرید تا از مجموع مبلغ برات سود و ربح خود را با بت تاریخ انتقال برات الى تاریخ بسررسیدن موعد آن وضع نماید و مبلغ نقد برات را بحساب دارنده^۲ برات محاسبه نماید .

۵- برات را میتواند جهت تحصیل مبلغ آن ببیک موسسه^۳ کرید تا بسپارد یعنی موسسه کرید تا راموظف میگرداند که مبلغ مندرجه^۴ برات را در روز تاریخ بسررسیدن آن از مخاطب تحصیل نماید . ۶- برات را میتواند ببیک موسسه کرید تا جهت معامله بحساب او بسپارد یعنی وجه برات را به حساب دارنده^۵ برات شامل میگرداند .

ازین امکان دارنده برات وقتی استفاده می نماید که نخواهد برات را خودش نگهداشته و حفاظت نماید و عجالتا ببیول نقد ضرورت نداشته باشد .

۱۳- انتقال و دوران برات :

یک از فواید عمل اسناد تجاری مخصوصاً برات، این است که وسیله معاملات بوده و بجای پول بکار می‌رند هر قریبتر جریان داشته و نقل و انتقال آن بیشتر باشد امّا در تجارت بیشتر رونق پیدا می‌کند مثلاً شخصیکه صد هزار افغانی برات به عهده شخصی دیگر صادر می‌کند، دارنده برات می‌تواند آنرا در بازار فروخته و پس از کسر تنزیل بقیه آنرا جهت تقد دریافت نماید. خریدار نیز می‌تواند برات را بجای قیمت مال التجاری که می‌خرد بپردازد. خریدار جدید اگر احتیاج به پول داشته باشد می‌تواند با گرفتن وجه برات و کسر تنزیل آنرا به دیگری انتقال دهد، و این عمل ادامه ساید تابرسد به حد اعلی استفاده از آن.

نتیجه این خواهد بود که از اعتباری که برات دهنده نزد مخاطب دارد ممکن است داده نفر با بیشتر بجای وجه نقد از آن استفاده نمایند. به عنین علت است که برای فروش برات قا نون تسهیلاتی قابل شده طبق ماده ۴۸۰، اصولنامه تجارت افغانستان: برات بوجب ظهر نویسی قابل انتقال می‌گردد، دیگر مقررات از قبیل مراجعه به دفاتر اسناد رسمی و ثبت در دفاتر مربوطه لازم نیست.

(ظهر نویسی عملی است که به موجب آن دارنده برات تمام یا قسمی از حقوق خود را بدیگر واگذار نماید) بمجرد اینکه ظهر برات امضا شود انتقال به عمل می‌آید. قا نون نوشتن عباراتی دال بر انتقال را لازم نداشته و در ماده ۴۸۲، چنین مینگارد که (ظهر نویسی یا برخورد برات یا بر ورقه دیگری که به برات تعلیق شده اجرا می‌گردد. ظهر نویسی لازم از طرف ظهر نویس امضا شود اگر در ظهر نویس اسم حامل ذکر نگردیده باشد. بر طبق ماده ۴۸۰، با انتقال سند برات توسط عمل ظهر نویس کلیه حقوق به کسیکه ظهر نویس در وجه آن بعمل می‌آید انتقال می‌کند.

۱- ظرفیت ظهر نویسی :

ظهر نویسی بایست ساده و بسیط باشد. و تمامی شرایط بر ظهر نویس را مشروط سازد تحریر نیافته نلقی می‌شود. چنان است که ظهر نویس یک حصه مبلغ ممکن نیست ماده ۴۸۱، اصولنامه تجارت افغانستان در این باره چنین انتشار شده (ظهر نویس لازم است از هرگونه قیود و شرط عاری باشد). هر شرطیکه ظهر نویس به آن متعلق باشد بلافاصله می‌باشد و ظهر نویس یک قسم از وجه برات باطل است.

۲- شکل ظهر نویسی :

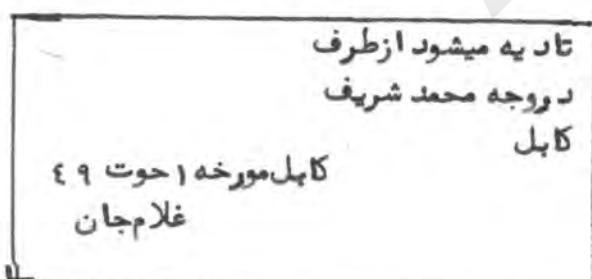
ظهر نویسی باید برخود سند و یا برقیک ورقیکه دیگری ملحق به برات تحریر گردد
قانون کدام محل خاصی را برای ظهر نویسی تعیین نکرده چنان است که هر روی سند و
یا در ظهر سند صورت گرفته میتواند اما اگر روی سند تحریر باید توضیح داده
شود که ظهر نویسی است قبل تحریر گردد در وجه فلان شخص پرداخته شود ولی اگر
تنها یک امضا بدون توضیح در ظهر برات بنظر رسد معنی ظهر نویسی نامکمل رامیده
که در آینده درنظر خواهیم گذارند ماده ۴۸۲ اصولنامه تجارت افغانستان راجع به
شکل ظهر نویسی چنین دستورمن رهد " ظهر نویسی یا برخود برات یا بر ورقه
دیگری که برات تعلیق شده اجرا میگردد " ظهر نویس لازم از طرف ظهر نویس امضا
شود و اگر در ظهر نویس اسم حاصل ذکر نگریده باشد و یا ظهر نویس در ظهر برات
یا ورقه ملحق برات تنها به امضاء اکتفا نموده باشد این ظهر نویسی صحیح و معتبر -
نم باشد .

۳- انواع ظهر نویسی

۱- ظهر نویسی مکمل : عبارت از ظهر نویس است که اسم ظهر نویس شده یعنی شخصیکه
ظهر نویسی بعفاد او صورت میگیرد در برات نگاشته شود . این نوع ظهر نویسی شکل
معمولی انتقال است و طرز تعامل آن چنین میباشد .

(در وجه محمد یوسف تادیه شود) امضاء ظهر نویس

ظهر سند برات



ظهر سند برات

علی احمد - کابل

ظهر سند برات

جهت من
در وجه بانک ملی کابل جهت
تحصیل .
- کابل مورخه اول
جوت ۱۳۴۹
حليم شاه

۲- شهر نویس نامکمل یا ظهر نویس سفید : عبارت از ظهر نویس است که قصداً اسم ظهر نویس شده را روی سند تحریر نکند . این ظهر نویس صوف از یک امضای ظهر نویس یک حصه جای سفید و خالی گذاشته در بالای امضای ظهر نویس یک حصه جای سفید و خالی گذاشته میشود تا کسی که در آینده برات را حمل مینماید آنرا اکمال نماید . (ماده ۴۸۲-۴۸۳) باساس ظهر نویس سفید سند برات بحیث یک سند حامل شناخته میشود یعنی بدون کدام تذکر انتقال / انتقال داده شده میتواند .

۳- ظهر نویس حصولی : عموماً حاطین برات روز اقضایی موعده شخصاً نزد مخاطب ترفته بلکه برات را بقصد اخذ به بانک معامله دار خود می سپارند تا وجه مندرجه برات را در روز بسر رسیده ن برات حصول و در حساب او قید کرد . انتقال مجدد سند برات توسط ظهر نویس مکمل ناممکن می باشد (ماده ۴۸۷) بانک صرف با تحصیل وجه صلاحیت دارد .

۴- ظهر نویس طکیت تام : قراریکه لفته شده برات بمحض ظهر نویس قابل انتقال میگردد ولی صادر کننده میتواند توسط تحریر یک شرط (نه با مواف) یا جمهه دیگری که این معنی را افاده کند ظهر نویس را منع قرار دهد فارمولیکه در این مورد استعمال میشود چنان است (لطفاً به شاغلی غلام علی نه اموار او

یا لطفاً به غلام علی شخصاً بپردازد) ماده ۹۸۰ اصولنامه تجارت درین باره چنین تجویز می شود (اگر صادر متنده برات جمهه " قابل انتقال نیست و یا یک جمهه دیگری که عین معنی را افاده کند نوشته باشد برات مذکور بطريق ظهر نویس نقل شده نتوانسته تابع احکام طلبات غیر قابل انتقال

است) مثلاً توسط عمل ظهر نویس اسدالله هدایت میدهد که شاغلی احمدشاه برات را انتقال داده نتواند هرگاه با وصف این سند برات انتقال داده شود مسئولیت اشخاص مقابله از بین میروند .

۵- ظهر نویس بقصد تضمین : این ظهر نویس بدو نوع میباشد

۱- ظهر نویس تضمینی آشکار و یا رهن گذاشتن سند : ماده ۴۸۸ اصولنامه تجارت افغانستان راجع به ظهر نویسی هذا چنین تحریر یافته . در حالیکه در ظهر نویسی عبارت های (برای تضمین است و یا برای رهن است) و یا تعبیراتیکه معنی خمام است و یا رهن از آن فرمیده شود موجود باشد حامل میتواند از تمام حقوق متولد از بین برات استواره کرد اما ظهر نویس برات از طرف او تنها حکم ظهر نویس لز طرف وکیل را دارد . مقصود اصلی این نوع ظهر نویس ادادن برات است بحیث تضمین این دین براتی را بصورت تضمین

به او ظهر نویسی میکند که اگر روز موعد پون ظهر نویس شده نرسد ناچاره میتواند برات را بفروش رساند و پون قرضه خود را از آن حاصل نماید .

۲- ظهر نویسی رهنو مخفی : این نوع ظهر نویسی از ظهر نویسی قبلی چنین تعبیر نماید میشود که در روی برات اسنعی از تضمین و رهن بوده شده . ولی اراده جانبین از تضمین یک قرضه مدنی است . فرق این ظهر نویسی از ظهر نویسی تضمین آشکار چنین است که در ظهر نویسی رهن مخفی ظهر نویس شده میتواند طلاکیت برات را بدشخر دیگری فوراً توسط ظهر نویسی انتقال دهد در حالیکه در ظهر نویسی تضمین آشکار موضوع فوق فوراً دیده شده نمیتواند .

۳- ظهر نویسی تأخیر شده : ظهر نویسی هنلایمی موجز نامیده میشود که اخراج نمایه رسمی عدم تادیه صورت گرفته یا آنکه معد پروتست بسر رسیده و پروتست (اعتراض) فوق ترتیب شده در این زمان یک ظهر نویس صورت گیرد .

۴- سایر طرق انتقال یک برات م- چنانکه دیده شد ظهر نویسی طرز طبیعی انتقال یک برات بوده ولی وائداری مدنی نیز باعث انتقال برات شده میتواند .
+ انتقال راث اخذ میراث پیش از مرد موروث
۵- انتقال در اثر عقد رزیم ازدواج (جهزی)
۶- انتقال در اثر اتحاد یک شرکت سهامی
۷- انتقال در اثر حکم محکمه

قرار فوق افغانستان در چهار موارد فوق الذکر اصول محاکمات عدلی قابل تطبیق میباشد نه اصول محاکمات تجاری .

۸- تا شواط حقوقی ظهر نویسی :
۱- توسط عمل ظهر نویسی حقوق طلکیت برات به شخص دیگری انتقال میاید از انجا نیکه سند برات یک سند رسمی (سند آردر) است بنابران یک تذکر انتقال در آن لازم میباشد . ازین جهت ازیک وظیفه ترانسپورتی ظهر نویسی صحبت میگردد .
۲- هر فردیکه سند برات را بایک عمل ظهر نویسی انتقال میدهد بایت ایفای پرداخت مبلغ سند برات هم مسئولیت دارد . رینمورد از یک وظیفه نوائی یا تضمین ظهر نویسی سخن میرانند .
۳- حامل برات توسط یک سلسه ظهر نویسی بحیث مالک برات شناخته میشود به این اساس از وظیفه تشخیص ظهر نویسی صحبت میشود .

۱۴- محل برات :

برات رهندۀ محیور است و سایل تاریخ را برای مخاطب فراهم سازد . هرگاه برات رهندۀ وجهی از مخاطب طلب نداشت و برات به صدور برات نماید آن برات با محل است و اگر چیزی نزد مخاطب نداشته باشد معذا لک برات صادر کد / برات بی محل خواهد بود .

الف - برات با محل : وجود محل ممکن است در اثر اشتن وجه نقد . یا مال التجاره و یا داشتن اعتبار (اشتن براتی از مخاطب) پیدا شود و برات رهندۀ باعتبار آن برات صادر نماید . لازم نیست در موقع صدور برات محل موجود باشد بلکه ممکن است زمان پرداخت محل پیدا شود مثلاً مال التجاره آن جهت فروش فرستاده شده ولی هنوز در راه است فرستنده مال التجاره براتی بوعده دوامه باعتباً رجنسی که در راه است به عهده طرف خود صادر می نماید . مخاطب چون میداند مال التجاره قریباً بدست او خواهد رسید و زمان پرداخت برات قیمت یا عین آن نزد او خواهد بود برات را قبول می‌کنند .

ب - برات بی محل : موقعی است که برات رهندۀ طلبی از مخاطب نداشت / معذا لک در اثر قرارداد یا استقرار برات صادر شده باشد . معمولاً بین تجارتخانه های کوچک چنین اعمالی رواج دارد که موقع احتیاج یکی به عهده دیگری به مدت چند ماه برات صادر و از فروش آن استفاده می نماید و در راس مورد یا پول آنرا می رساند و یا مخاطب برات . یکی به عهده دهنده برات صادر می نماید . البته این وسیله ای است برای بدست آوردن پول ولی مقداری از بابت تنظیل و مخارج کم می‌شود که از اراده پیدا کند . هم چنانه سابقاً ذکر شده منتهی به زیان کلی خواهد شد .

۱۵- انقضای موعد تاریخ :

۱- انقضای موعد : - انقضای موعد روزی است که وجه برات قابل تاریخ نزد . چنانکه قبل نیز دیده شد این روز صد فیصد به روز تاریخ اتفاق نخواهد کرد . ماره ۲۰۰۰ اصولنامه تجارت افغانستان بعد از انقضای موعد دو روز دیگر را به حامل مهلت دارد و هم چنان اگر انقضای موعد بیک روز رخصتی عمومی تصادف کند این زمان تا ختم آن مطوفی نداشتند می‌شود .

۲- انواع انقضای موعد :

۱- برات روپیتی که بمحض رویت قابل تاریخ است . این نوع برات را عند الطالبه نیز می‌نویند .

۲- براتیکه بیک فاصله از رویت قابل تاریخ باشد .

۳- براتیکه بیک تاریخ معین بعد از صدور قابل تاریخ می نزد در این مورد تنها تاریخ صدور اساس قرارداده می‌شود و لوکه تاریخ فوق پرور قصداً صحیح تحریر نیافته باشد .

۴- برایتیکه انقضای موعد آن معین باشد . چون راین کونه برات‌ها انقضای موعد روی خود برات تحریر یافته بعد بیتفوتو ایجاد نمیکند .

۳- تاریه : برات تابع حکم قرضه‌های حنسی بوده و بایست داین خوش امده پول خودرا بستاند . ر صورتیکه سایر قرضه‌های نقدی تحت دستور نبوده و مدعیون مجبور است پول را نزد داین ببرد دلیل جنسی بودن قرضه برات از جهتی است که تاریه گفته نمیتواند بفهمد موقع تاریه برات ر تصرف کیست ۲ پس وظیفه حامل است لخود را معرفی کرده پول خودرا بستاند .

حمل بایست از روزیکه موعد برات بسر می‌رسد یا یکی و روز بعد آن برات را به تاریه ارائه کند و همچنان قراریکه لقته شد اگر روزه که برات رفته رخصتی رسمی عام تصلیف ننموده باشد یکی و روز بعد از اختتام رخصتی ارائه کرده میتواند . ارائه به پرداخت قبل از انقضای موعد غیر منظم بوده کدام حق نوعی را روی کار آورد ه نمی‌تواند مقابله کدام شخص ارائه به پرداخت بایست صورت نماید ارائه به پرداخت باید به شخصی شود که واقعاً مجبور به پرداخت وده برات باشد یعنی به مخاطب یا شخصی که مخاطب دریک مکان دیگر معرفی کرده

۴- شرایط ارائه به پرداخت :

۱- ارائه به پرداخت احتمال مادی برات را با درخواست تاریه آن محتوی است یعنی بایست حامل طاری تاریه را در دست داشته و درخواست کند که به رویت آن پول باو تسلیم نردد .
موجودیت مادی برات از دو نقطه حائز اهمیت خاص است :

۱- قرآن است که تاریه گفته مقتضی کرده . شخصیکه تاریه وجه را طلب می‌نماید حداقل ملکیت شکلی برات را ارایمیاند .

۲- تا آنکه ما تابرات به مخاطب تسلیم نشود ناجبره مجبور نیست وجه آنرا بپردازد . ضرور نیست که داین شخصاً حاضر شود یعنی این حق خود را توسط یک ولی نیز اجرا کرده میتواند .
۲- دریک برایتیکه انقضای بود آن معین باشد هریک از مدیونین میتواند همچ مندرجه برات را در روز معینه به یک افتتاح صدر حیث دار امانت بدزارد . البته تمام مصارف و خذارات این امانت متوجه خوب حامل برات است . ماده ۱۲۵ اصولنماه تجارت افغانستان این اصل را چنین تعیین فرموده " هر ۱۰ سنه برات در ظرف مدت معینه ماده (۵۰۷) جهت تاریه ارائه نزد درین صوت مدیون برات همچ مندرجه برات را بحروف و خطه خود حامل در نزد مراجع رسمی گذاشته میتواند .

۵- شرایط صحیح تاریه برات :

۱- استداد رسیده شده : حين تاریه برات تاریه گفته حق دارد . برات را از نزد حامل تسلیم شده

- شده و نامه زده را مجبور سازد که به روی برات فوق اخذ پول مندرجه را رسید و امضا کند . در صورت تاریخ قسمی مخاطب میتواند حامل را مجبور سازد . این تاریخ را روی برات تذکار دارد و رسید علیحده به او را دارد شود . ماده ۱۰۵ اصولنامه تجارت این مفهوم را بصورت ذیل تعیین نموده
- ۱- در حالیکه مخاطب وجه برات را تاریخ می کند از حامل تقاضا نماید که به برات رسید تحریر و آنرا تسلیم کند . در صورت تاریخ قسمی برات را نمی شود ولی مخاطب میتواند تقاضا نماید که در برات برای قسمت تاریخ شده با رسید دارد شود .
- ۲- تاریخ قسمی : - قراریکه در بالا بحثاً هدایه رسید این امر را ماده ۱۰۵ اصولنامه تجارت افغانستان پیش بینی کرده است . ازینکه در فوق از آن تذکر دارد شده است تذکار مزید ضرورتیست .
- ۳- تاریخ قبلی : در ماده ۹۰۵ اصولنامه تجارت چنین تذکر رفته است " حامل برات قبل از حلول موعده برات را تاریخ میکند . پس این تاریخ بخوبی متوجه خواهد شد . " شخصیکه در حلول موعده برات را تاریخ می کند برای الذمه میشود . شرط بیننکه حلیه و یا غفلت افاحش در تاریخ بعمل نیامده باشد . از ماده فوق چنین فهمیده میشود که در وقت رسیدن موعده اگر حامل تنها ملکیت شکلی برات را دارا باشد لافی است قبل از حلول موعده ملکیت تنها کاید نکرده راشتن ملکیت نیز ضروری است چنان است که اگر قبل از حلول موعده تاریخ گفته برات را شخصیکه تنها مالک شکلی برات بوده و مالک حقیقی آن نباشد بیرون از این موارد میگذرد . مالک حقیقی آن پیدا شود مالک حقیقی فوق مبلغ مندرجه برات را تاریخ گفته دو باره مطالبه کرده میتواند .
- ۶- تحقیقات لازمه حین پرداخت وجه یک برات :
- شخصیکه حین انقضای موعده برات را تاریخ میگذرد بایست تحقیق کند که حامل از نقطه نظر شکلی مالک برات باشد برای ثبوت ملکیت شکلی بایست حامل توسط سلسله ظهر نویسی حق خود را تا اخذ هناءه اولی برات ثابت کند ولی قراریکه نمیگذرد عموماً برات توسط ظهر نویسی سفید یعنی انتقال دست ابد است صورت میگیرد از انجاست که اصولنامه تجارت افغانستان سلسله ظهر نویسی را شرط نداشته و تنها والیدی برات را دلیل به ملکیت شکلی شناخته است .
- ۷- نوع پول برات :
- در این مورد لازم است سه اختصار ذیل در نظر گرفته شود
- احتمال اول : مبلغ حد درجه برات به اسعاری تحریر یافته که در محل تاریخ مروج نیست در این صورت تاریخ گفته میتواند وجه برات را به پول موجه رولت محل تاریخ قرار گیرد روز تاریخ نماید ماده ۱۰۵ اصولنامه تجارت افغانستان در این باره چنین مقرر میگردید (اگر برات به پولیکه در محل تاریخ رایج نباشد صادر

گردد و صادر کننده پولی را که تاریخ آن در برات ذکر گردیده شرط نگهداشته باشد مخاطب میتواند که پول متداول محل تاریخ قرارقیمت (روزتاریه) اجرا نماید . ”

احتمال دوم : روی برات تحریر یافته که بایست برات به اسعار معین تاریخ گردد مثلاً یک برات از کابل صادر و در قندھار قابل تاریخ میباشد ولی روی آن تحریر شده که به دالر تاریخ شود این صورت تاریخ کننده مجبور است به اسعار دالر تاریخ کند صدور این گونه براتها خیلی نادر است اصولنامه تجارت بصورت ضعی از این احتمال سخن گفته ” اگر نوع وجه برات مقید باشد و مدیون برات از تاریخ عاجز آید حامل میتواند تقاضا کند وجه برات را به پول محل تاریخ بقرار نرخ روز موعد تاریخ کند . ”

احتمال سوم : وجه برات به پول تحریر یافته که در مملکت صدور و ممالک تاریخ یک اسم دارند مثلاً در فرانسه صدور و در بلژیم قابل تاریخ میباشد پول هر دو مملکت فرانک نام دارد در این مورد اصولنامه تجارت افغانستان مقرر میدارد ” اگر وجه برات به پولی تعیین شود که در مملکت صادر کننده و تاریخ کننده اسم واحد و قیمت متفاوت داشته باشد در این صورت مسکوک پول را پنج محل تاریخ معتبر دانسته میشود ” اصولنامه تجارت افغانستان گرچه مسکوک محل تگذیری معتبر است و این را مطلق شناخته است اگر صادر کننده سهوا تاکید نکند که بفرانک فرانسوی تاریخ شود . تاریخ کننده مجبور است به فرانک بلژیم تقریباً ده برابر کم تر تاریخ نماید .
رجوع در محکمه :

در حالات زیل رجوع به محکمه صورت می گیرد :

الف : عدم پرداخت حین انقضای موعد : در موقع انقضای موعد اگر حامل برات را به مخاطب ارائه کرد و نامبرده مبلغ مندرجہ آن را نپرداخت حامل یک ادعا پیدا میکند ولی برای اینکه حین ادعا از طرف محکمه سمع شود شرایط دو گانه زیل نیز لازم است .

۱- باید برات در موقعیت از طرف قانون پیش بینی شده به پرداخت ارائه شده باشد یعنی در روز انقضای موعد یا در روز مابعد آن (در روز رسمن کار)

۲- در صورت امتناع از تاریخ یا پس از حامل اعتراض نامه ترتیب نموده و در دست داشته باشد . اگر شرایط دو گانه فوق مراعات نشده بود یعنی اگر حامل سند را در موقع معینه قانونی ارائه نکرد و یا ارائه کرده . اعتراض نامه ترتیب نکرده بود حقوق تبارلوی خود را بکلی از دست میدهد بلکن یک استثناء در موقوف عدم ترتیب اعتراض نامه موجود است که اگر صادر کننده و یا کدام یک از ظهر نویسان حامل را از ترتیب اعتراض نامه توسط درج شرط معافی از ترتیب اعتراض نامه در روی برات معاف قرارداده باشد .

صادرکنده و یا یک ظهر نویس میتواند شرطی در برات تحریر نماید که حامل برات به ترتیب اعتراضنامه مکلفیت ندارد یا خلاصه بنویسد . بدون مصرف در این صورت بعضی ادعای حامل راجع به عدم پرداخت محکمه دعوی نامبرده را سمع میکند .

ب : رجوع به محکمه قبل از انقضای موعد پرداخت : این نوع رجوع در حالات ذیل ممکن است .

۱- در صورتیکه انکار از قبولی : - گرچه انقضای موعد تادیه روی برات موجود می باشد ولی برای تضمین پرداخت برات قانون جمهه ممالک قبولی قبل از انقضای موعد را مجاز قرار دارد یعنی برای انکه مفاد برندۀ سند خویشتن را از پرداخت برات حین انقضای موعد مطمئن سازد میتواند برات را نزد مخاطب برد و قبولی او را حاصل نماید در صورت امتناع از این قبولی ، حامل حق دارد . اعتراض نامه ترتیب کردۀ نزد محکمه تجاری دعوی خود را دایر نماید ماده ۵۱۳ صولنامه تجارت افغانستان تأکید میکند این اعتراض نامه عدم قبولی نامیده میشود ضرور نیست که مخاطب حتماً از قبولی انکار کند یعنی لا درک بودن وی یا افلاس او یا مرگش و یا انحلال شرکتی که برات بالای آن حواله شده کفايت میکند که حامل به محکمه مراجعه کدیک نکته را بار دیگر تکرار می کنیم اگر قبول قسمی باشد تسبیح در قسمتیکه قبولی داده نشده مراجعه ممکن است نه به تمامی مبلغ مندرجہ برات .

ب : در صورت معطلی تادیه از طرف مخاطب که قبولی داده یا نداده : هنگامیکه تادیه کننده حقیقتاً به ضعف اقتصادی گرفتار شده و یا یک قرضه دیگر خود را نمی پردازد خطر آن من روک که حین رسیدن موعد تادیه مبلغ مندرجہ برات را نمی پرداخته نتوانسته یا نپردازد این معطلی تادیه در سه صورت ممکن است .

۱- افلاس تادیه کننده که از طرف محکمه اعلام گردیده باشد .

۲- حق نظارت یک داین بالای اموال مدیون که این عمل نیز توسط محکمه صورت می گیرد .

۳- در وثیکه مخاطب پرداخت دیون خود را قطع کند .

چنان است اگر شخصی دعوی را روی معطلی تادیه مخاطب اساس ندهد مجبور است از سه حالت که در بالا تذکر داده شده یک آنرا ثبت کند . که البته ثبوت اول و دوم خیلی ساده ولی اثبات سوم آن اگر از طرف محکمه تائید نشده باشد مشکل است زیرا که طبق سوم یک وضع حادثی و کدام سند مانند بالا در دست نیست که این حالت را اثبات کند

ج : افلاس صادر کننده در براتیکه ارائه بقبولی آن منع قرارداده شده باشد : حامل تسبیح در مواقعي دعوی پرداخت را به اساس افلاس صادر کننده اقامه کرده میتواند که روی برات مذکور

شرط عدم اراده قبولی تحریر یافته باشد زیرا درین صورت به صادر کننده اعتبار بیشتر دارد
شده تابه مخاطب .

— شرایط شکلی رجوع :

غیر از افلاس مخاطب یا صادر کننده در سایر صور ترتیب کردن اعتراض نامه ضروری است
اما اگر صادر کننده ماز ترتیب اعتراض نامه حامل را معاف قرار داده بود ، دعوی بدون اقامه
اعتراض نامه صورت می گیرد .

الف : اعتراض نکول تادیه : برای اینکه متضمن یک برات در محکمه کشانیده شده بتواند ضرور
است که حامل اعتراض نامه نکول تادیه را در دست داشته باشد بعباره ساده تر امضا کنند گان
برات در صورتی مجبور به پرداخت وجه برات می شوند که مخاطب از تادیه ابا ورزیده و این انکار
وی توسط اعتراض نامه نکول تادیه ثابت شود . اگر برات در یک روز معین یا یک فاصله از رویت
یا یک فاصله از تاریخ صدور قابل تادیه باشد .

اصولنامه تجارت افغانستان اعتراض عدم تادیه را در روز انقضای موعد مجاز قرار داده ماده ۱۴
در باره چنین حکم می کند " استکاف از قبولی تادیه لازم است یا یک ورقه رسمیه که اعتراض عدم قبول
یا عدم تادیه گفته می شود اثبات کرد ه شود . باید اعتراض عدم تادیه در روزیکه تادیه برات لازم
می آید و یا در ظرف دو روز کار متعاقبه بعمل آید و اعتراض قبولی باید در ظرف مدتها که برای
ارائه برات بجهت قبول تعیین شده اجر شود :: در برات عند الرویت اعتراض عدم تادیه باید
حد اقل در مهلت قانونی یا مقاولوی صورت گیرد . این مهلت قانونی را راجع به برات رویتی
اصولنامه تجارت افغانستان بصورت صريح تعیین نکرده ولی ماده ۹۲ که راجع به براتیکه
تادیه آن یک مدت معین بعد از ارائه شرط گذاشته شده بطور قیاس قابل تطبیق است که این
مهلت شش ماه می باشد .

قره سوم ماده ۱۴ اصولنامه تجارت افغانستان درین باره چنین انتشاراً شده " اعتراض عدم
قبول ، اعتراض عدم تادیه و ارائه را از بین من برد ، در حالات مذکوره قره سوم ماده ۱۳
حامل بدون اینکه برات را به مخاطب ارائه کند یا اعتراض نماید میتواند از حق رجوع در
مقابل مسئولین استفاده کند . راجع بقیمه چهارم ماده مذکور حامل باداشتن دلیل افلاس
 الصادر کننده میتواند رجوع کند .

ب : اعتراض نامه عدم قبولی :

اگر حامل برات را بقبولی ارائه نموده و مخاطب از قبولی برات استکاف نموده میتواند اعتراض نامه

راد ره رحظه که خواسته باشد ترتیب نماید یعنی از روز صدور تا روز انقضای موعد ضرورتیست که بمرجود غدم قبولی حامل اعتراض نامه عدم قبولی ترتیب کرد و فوراً اقامه کند (بجز در بر ایکه ارائه به قبولی اجباری قرار داده شده باشد یعنی اگر حامل برات را به مخاطب دار و تامخاطب قبولی ندار و حامل اعتراض نامه عدم قبولی ترتیب نکرد میتواند در آینده برات را به تاریخ ارائه کرد و اگر مخاطب تاریخ نکرد اعتراض نامه عدم پرداخت را ترتیب کند اما در بر ایکه ارائه به قبولی آن از طرف صادر کننده اجباری قرار داده شده باشد یا برات بیک فاصله از رویت ارائه به قبولی اجباری بوده و در صورت غفلت حامل حق دعوی معامله خویش را از دست میدهد

۲. معافی از ترتیب اعتراض نامه :

تعامی مقتضی نین برات (صادر کننده ظهر نویسان و ضامنین) میتواند توسط علاوه کردن یک شرط « حامل را از ترتیب اعتراض نامه عدم قبولی و اعتراض پرداخت معاف قرار دهد شوط هذا باید روی برات تحریر یافته و شخصیکه این معافیت را میدهد متقبل آن امضا کند قا نون کدام شکل مخصوص برای نگارش این شرط را پیش بینی نکرده ولی عرف اچنان نگاشته میشود . (بن مصرف) یا (بدون اعتراض نامه) بدون مصرف از جهت نگاشته میشود که ترتیب کرد ن اعتراض نامه معرفی بکار دارد هنگامیکه بدون مصرف تحریر شد یا حامل مجبور به مصرف نبوده فلهذا مجبور به ترتیب کردن اعتراض نامه نمی باشد . اگر معافی فوق از طرف صادر کننده برات تحریر شده باشد نتایج حقوقی آنرا تعامی مدینین برات متحمل مشوند ماده ۱۶۰ اصولنامه تجارت معافی از ترتیب اعتراض نامه را چنین تقدیم فرموده " اگر صادر کننده یا ظهر نویس یا ضامن در برات کلات (اعاده مصرف) و یا (بن اعتراض) و یا کلماتیکه این منظور را افاده کند نوشته باشد حامل آن برات برای رجوع خود از اعتراض عدم قبول « عدم تاریخ معاف دانسته میشود اما حامل برات مکلف است که در ظرف مدت معینه بظهور نویسان و صادر کننده اخبار نماید اثبات عدم رعایت مدت ها شخص راجع است که در مقابل حامل مدعی میشود شرطیکه صادر کننده وضع کرد در حق کافی انانکه برات امضا نموده اند مرعن است . اگر چنین شرط از طرف یک ظهر نویس یا ضامن نوشته باشد تنها راجع به ظهر نویس یا ضامن مرعن میباشد اگر با وجود هر طیکه از طرف صادر کننده نوشته شده باشد حامل اعتراض نماید مصارف مربوط بخود اوست »

۳- شکل اعتراض نامه : در اصولنامه تجارت افغانستان تحت ماده ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۱۰، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۴۴، ۵۵، احکامی صادر شده که حتی در بعضی این موارد موجودیت اعتراض نامه را برای اقامه دعوی شرط گذاشته ولی راجع به اینکه اعتراض نامه توسط کدام شخص ترتیب گردیده و چه شکل دارد و چه موارد را حاوی است ابداً صراحتی نمی رسد .

عدم وجود این صراحت یک خلای بزرگ قانون شناخته شده و حق رجوع حامل را علیه متضمنین برات بن اثر می‌سازد یعنی اگر فرضا براتی درست حامل بوده نامبرده حین انقضای موعد یا برای قبول به مخاطب می‌کند و مخاطب قبولی نداده یا پول مندرجہ برات رانو پردازد . قانون صراحتاً نامبرده را به ترتیب دادن اعتراضنامه رسمی موظف ساخته که در صورت عدم ترتیب این اعتراضنامه را از کجا در یافت کرده و از کدام دفتر رفته و کدام شخص را با خود ببرد که اعتراض نامه رسمی را خانه پوری کند . ازانجاست که حین بازدید ماری اصولنامه تجارث هذ اعطاف توجه مقامات صالحه را در این باره تعنی داریم .

۴- از طرف کدام شخص و مقابل کدام شخص دعوی اقامه شده میتواند :

دعوی معاملوی (یعنی دعوی که به اساس برات و حجت صورت می‌گیرد و دارای اصول محکمات خاص است) از طرف هر حامل برات صورت گرفته میتواند یعنی اگر حامل آخرين پول خود را از ظهر نویس قبلی گرفته باشد برات را به ظهر نویس تسلیم کرده باشد ظهر نویس میتواند دعوی را علیه ظهر نویس قبلی اقامه کند . همچنان اگر ضامن مبلغ مندرجہ برات را پرداخته باشد مانند دیگران حق دعوی معاملوی را حاصل میدارد . اقامه دعوی مقابل جعله دائنين برات ممکن است تنها قبولی دهنده و ضامن وی مقابل سایر دائنين دعوی اقامه کرده نمیتواند چه این اشخاص در حقیقت تضمین نکرده بلکه مدیون نیں اصول برات شناخته میشوند .

۵- ساحه دعوی تبادلوی : مقصد در ساحه دعوی تبادلوی احاطه این دعوی است یعنی چه چیز و کدام مبلغ در این دعوی در خواست میشود در این مورد لازم است بین دعوی که از طرف حامل آخرين صورت می‌گیرد و دعوی مدیونیکه پول برات را پرداخته یک فرق قابل گردیدم .

اصولنامه تجارث این فرق را بصورت واضح شناخته و حتی هر یک انتراحت ماده علیحده تنظیم کرده و ماده ۱۸ به حامل است چنان انشاء شده حامل میتواند از شخصیکه علیه او رجوع کرده مطالبات ذیل را بنماید .

۱- وجه براتی که قبول نگردیده و یا قبول شده و تادیه نشده باشد و نیز تکت پولی آنرا اگر مشروط باشد (قرایو یکه دیده میشود استعمال جعله (یا قبول شده) حشو میباشد چه در حال عدم تادیه اگر برات قبول شده باشد یا خیر تفاوت نمیکند .

۲- شش فیصد تکت پولی آنرا از تاریخ حلول موعد

۳- مصارف اعتراض اخباریکه از طرف حامل بظهور نویسان و صادر کننده تبلیغ گردیده باشد با مصارف دیگر یکه از همین حیث متحمل شده باشد ماده ۱۹ اصولنامه تجارث مراجع به شخصیکه وجه برات را تادیه کرده بصورت ذیل انتشار یافته : شخصیکه وجه برات را تادیه میکند از اشخاصیکه در مقابل او مسئول اند مطالبات ذیل را میتواند .

۱- تمام مبلغ را که تاریخ کرد (یعنی سه قلم ماده ۵۱۸)

۲- تکت پولی مبلغ مذکور را از تاریخ تاریخ (یعنی از روزی که خود مبلغ را تاریخ کرد) روزی که پول خویش را توسط حکم محکمه حاصل میکند)

۳- هر مصارف را که متحمل شده باشد مقصد هر مصارف مصارف است که برای اخبار داین وغیره صرف شده .

گرچه مقدار تکت پولی در این ماده مانند ماده ۱۸۵ تصریح نشده ولی این تکت پولی هم قرار تبصره ماده ۵۱۸ شش فیصد میباشد چه تبصره مذکور بصورتی انتشارشده که در مورد برات عام میباشد . برای مزید معلومات اینک اصل تبصره ماده ۱۸۵ را نقل می کنیم " تکت پولی شش فیصد که در فقره ۲ تصریح شده در تمام موارد یکه موافقت موجود نباشد معتبر است ، " قراریکه ماده ۵۱۹ در حق مدیونین برایکه از طرف حامل سبقت شده پول را پرداخته اند تجویز گردید .

۱۷- به تأخیر افتادن تقاضای برات :

تقاضا و حقوق صادر کننده برات ظهر نویسان و دارنده آخرین برات در مقابل مخاطب ۳ سال بعد از تاریخ پیسر رسیدن موعد برات از بین می رود تقاضای دارنده اخرين برات در مقابل ظهر نویسان و صادر کننده گان یک سال بعد از تاریخ از بین می رود . هم چنین در یک برات که نقطه (بدون مصارف) و امثال آن اشاره گردیده باشد سال از روز تاریخ پسر رسیدن موعد برات سنجش میشود . ادعای حقوق ظهر نویسان بین هدیگر شان و یا در مقابل صادر کننده گان از روز تاریخ تاریخ مبلغ برات ذریعه ظهر نویسان در ظرف ۷ ماماز بین می رود ماده (۵۳۸)

۱۸- ترتیب نمودن نسخه های متعدد برات :

هر برات را میتوان به نسخه های متعدد شبیه همید گر صادر کرد ، هر نتیجه برات بایست دارای نعرات مسلسل باشد هر قطعه براتی که دارای نعره مسلسل نباشد بحیث برات مستقل شناخته میشود ماده (۵۳۴) هرگاه مبلغ یک نسخه سند برات تاریخ گرد نسخه های دیگر آن از اعتبار ساقط میشود . صدور چندین نسخه برات مشابه بیشتر در تجارت صادر راتی معمول است زیرا عمل قبولی برات وقتی زیاد را در بر میگیرد . تاخیر صادر کننده نسخه دوم برات را بیانک خود جهت دسکوئت میسازد . نسخه اول برات در عین زمان نزد تاریخ کننده غالباً توسط یک بانک در مملکت تاجر وارد کننده جهت قبولی ارائه میگردد .

۹- ضمانت

پرداخت مبلغ برات جمعاً یا قسمات وسط ضمانت تضمین شده میتواند که این ضمانت به اصطلاح فرانسوی نام دارد نبایست این تضمین را با ضمانت حقوقی مدنی مترادف شمرد چه در حقوق مدنی ضمانت یک وعده مخصوصاً فرعی بوده در صورتیکه این تضمین یک قرضه مستقبل از قرضه شخص تضمین شده را رویکار می آورد .

الف - کدام شخص تضمین شده تبارلوی داده میتواند .

جواب این سوال توسط ماده ۴۹۹ اصولنامه تجارت افغانستان به صورت صريح داده شده " تاریخ یک برات جزء ویاکل توسط ضمانت تاریخ میتواند . تضمین ممکن است از طرف شخص ثالث و یا یکی از امضا کننده گان بوده باشد ، " قرار صراحت ماده اشخاصیکه در سلسه امضا کننده گان برات موجود بوده اند همچنان اشخاص ثالث میتوانند براتی را داده قسمای کلا تضمین کنند .

ب - شکل و محل تحریر ضمانت :

راجع به شکل و محل تحریر ضمانت ماده ۵۰۰ اصولنامه تجارت چنان مقرر میدارد " ضمانت یا در برات و یاریک ورقه ملحقه درج میشود " ضمانت با عبارت (برای ضمانت است) و یا عبارت شبیه

آن افاده میشود و از طرف ضامن امضا میگردد . امضای اشخاص دیگر از صادر کنده و مخاطب بر روی برات افاده ضمانت را می کند در ضمانت باید تصریح گردد که به حساب کدام شخص ضمانت شده است و اگر تصریح نگردیده باشد بحساب صادر کنده شمرده میشود .

سطراخیر ماده ۵۰۰ مقرر میدارد "در ضمانت باید تصریح گردد که بحساب کدام شخص ضمانت شده، یک احتمال حقوق را روی کار آورد . و پنداشته میشود که از صادر کنده تضمین شده احتمال حقوقی هذا مطلق بوده و اثبات ضد آن معکن نیست .

اصولنامه تجارت افغانستان در ماده ۱۵۰ خود راجع به نتایج حقوقی ضمانت چنین تقدیم نموده است "ضمانت کنده با ندازه شخصیکه ضامن او شده است اگر برات شکل قانونی ترتیب نشده باشد ضامن از تعهد خود بری میباشد اگر ضامن وجهبرات را تابعیه کند حق دارد علیه ضمانت شده و اشخاص دیگری که نزد شخص ضمانت شده مسئولیت دارند روجوع کند ."

۴۰- قوانین خارجی :

برای تجارتی تمہام مربوط بداخله کشور نیست بلکه اغلب در مملکتی صادر و در کشور دیگر پرداخت میشود و چون قوانین مربوط به هر کشور یکسان نیستند . از این جهت مراجعت قوانین کشوری که برات در انجا صادر شده ضرور نیست و اگر غیر از این میبود صدور برات از کشوری بکشور دیگر ممکن نبود زیرا صادر کننده برات نمیتواند قوانین هر مملکتی را که احتمال میدهد ظهر نویسی در آن به عمل آید رعایت نماید .

در اصولنامه تجارت افغانستان در مورد قوانین خارجی برات کدام تذکر صریح موجود نیست که این خود یک هلاکتی قانونی را نشان میدهد . امید است که مقامات ذیصلاح حین تجدید نظر اصولنامه تجارت موضوع قوانین خارجی در نظر پنداشته .

فصل سوم

حجت تجاری

- تعریف :-

حجت تجاری عبارت از متنی است که توسط ان امضا کننده عوض آنکه امر پورا خت وجه را حین رسیدن موعد بشخص ثالث دهد خودش تعهد میکند.

در اول امر در مناسبات حجت تنها دو شخص وجود دارد.

(۱) امضا کننده یا سند دهنده

(۲) اخذ کننده یا سند گیرنده

وسایر براتها در باره حجت مرعن الاجرا قیباشد. بغير از دستاتیریکه از مفهوم اصلی حجت انحراف میکند. چنانست که در حجت تاریه کننده موجود نیست وهم قبولی مفهوم ندارد همچنان دستاتیریکه راجع به ذخیره و انتقال در مورد برات پیشبینی شده قرار عقیده بعضی علماء در حجت فیرقابل تطبیق است اما بعضی از علماء اظهار میکند بعجرد یکه حجت ظهر نویسی شد پروبلم های ذخیره در میان امده و دستاتیر برات در باره حجت هم قابل قبول و تطبیق میباشد.

راجع بشکل حجت چنانکه در حصه اول تذکر رفته قانون شکلی خاصی را تعیین نکرده ولی ارکان انرا تعیین میکند. بهمین اساس ماده ۴۵۴ اصولنامه تجارت افغانستان شرایط

حجت را یکاين شمرده و بدین معنی صورت انشاء شده:

حجت تجاری باید دارای شرایط ذیل باشد.

(۱) تحریر کلمه (حجت) بروی سند په رسانیکه حجت نوشته شده باشد.

(۲) تاریه بلا شرط مبلغ معین

(۳) موعد تاریه

(۴) محل تاریه

(۵) اسم شخصیکه تاریه مبلغ در وجه و یا امر او میشود.

(۶) محل و تاریخ تحریر حجت

(۷) امضاي صادر کننده حجت.

ماده ۴۶۰ اصولنامه تجارت افغانستان راجع بلزوم تذکر مواد ماده ۴۵۴ چنان تحریر شده (سندی که یکی از مواد متذکره ماده فوق را حاوی نباشد با استثنای موارد ذیل حجت شد اخته نمیشود):

۱- حجتیکه موعد تادیه ان تحریر نگرده باشد عند المطالبه قابل تادیه است اگر دریک
حجت محل تادیه ان تحریر نشده باشد محل صدور ان محل تادیه و در عین زمان محل اقامته
صادر کننده دانسته میشود .

۲- اگر در متن حجت محل صدور تحریر نگرده باشد محل صدور همان محلی دانسته میشود
که پهلوی امضا کننده تحریر گردیده باشد .

۳- موار قابل تطبیق برای درباره حجت :

ما ده ۴۸۰ اصولنامه تجارت افغانستان درین باره چنین تحویز مینماید : (در مقررات لذیل
که ببرات تعلق دارد راجع بحجت نیز قابل تطبیق است)

راجع بظهر نویسی : موار (۴۸۰ - ۵۱۰) قراریکه بمواد ۴۸۰ الی ۵۱۰ مراجعه شود
تها از ماده ۴۹۰ بعد راجع بقبولی - ضمانت - موعد تادیه بحث کرده نه از ظهر نویسی
باید اینطور تحریر میگردد که از ماده ۴۸۰ الی ماده ۴۸۹

راجع بموعد : موار ۵۰۶ - ۵۰۲

راجع بتادیه : موار ۵۱۲ - ۵۰۲

راجع بحق رجوع در صورت عدم تادیه : موار ۵۱۲ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳

به واسطه تادیه بالواسطه : موار ۵۲۳ - ۵۲۵ - ۵۲۹

راجع به جعل و تحریف : رر (۵۴۲ - ۵۲۶)

راجع بعروز زمان : رر (۵۴۹ - ۵۳۸)

راجع بصورت حساب ایام اسعیه فر (۵۴۱ - ۵۴۰)

همچنان راجع بتادیه در اقامته شخصی دیگر احکام موار ۴۷۶ - ۴۷۴ درباره مقاوله تک
پولی ۴۲۵ و درباره بیانات راجع به مبالغیکه تادیه میشود ۴۷۶ . راجع بنتایج امضای شخص
نافذ اهمیت میباشد ۴۷۷ و راجع بنتایج امضای کسیکه وکیل نباشد و یا از حدود وکالت تجاوز
کند حکم ماده ۴۷۸ در خصوص حجت هم متغیر است .

قراریکه بعلاوه میرسد اصولنامه تجارت افغانستان تحت ماده ۴۴۵ مشخصات حجت را -
ثبتیت کرده و تحت ماده ۴۷۵ موار برات را که در حجت قابل تطبیق استند کار میدهد گویا
در حقوق افغانستان نیز بجز چند استثناء که در موار ۵۴۵ و ۴۶۵ تذکار یافته باقی همه مقررات
برات درباره حجت قابل تطبیق میباشد از انجاست که مطالعه موار بالارا در قسمت برات تا -
اندازه ای توضیح شده است .

۴- فرق حجت از برات : - فرقهای بین برات و حجت بقرار ذیل است :

- ۱- حدود برات لااقل بسه نفر مربوط است یعنی صادر کننده - تادیه کننده - فایدہ برند
یکی بدیگری دستور میدهد که وجهی را پسومی ببردازد .
لیکن در صورتیکه در حجت دو نفر بیشتر دخیل نیستند شخصیکه تعهد میکند و شخصیکه بنفع
او میباشد .

۲- چون هنگام تهیه برات شخص مخاطب شرکت نداشته است مقررات که در برات برای قبولی
نوشتن مقرر است در حجت مورد ندارد . زیرا در حقیقت صادر کننده و تادیه کننده در -
حجت یکفر است و چیزیرواکه خود امضا کرده است البته نمیتواند نکول کند .

۳- در برات باید اسم فایدہ برند ذکر شود و برای جریان ان اجازه داده شده است که -
قید حواله کرد اضافه گردد . در حجت قید اسم فایدہ برند الزامی نیست و چنانکه
از تعریف فوق ملاحظه میشود حججت را میتوان در وجه حامل صادر کرد و بنابرین تابع
مقررات مخصوص که راجع باسنار در وجه حامل است نیز میگردد .

۴- در برات موجود بودن محل - مورد توجه است و چنانکه ملاحظه شد قانون تجارت اگر
چه انتقال مالکیت محل برات را مقرر نداشته ولی اثماری بران مرتب نموده است که در هنگام
عدم پرداخت و عدم اعتراض و دعوی و در موقع معین اشکار میگردد در حجت موضوع محل
عنوانی ندارد زیرا تعهد کننده و پرداخت کننده وجه یکی است .

۵- حجتها معمولا در محل سکونت طرفین مورد عمل قرار میگیرند و برات بیشتر از طرف -
تجاران و موسسات اقتصادی مقیم یک شهر با یک کشور بعده تجارات و موسسات اقتصادی
مقیم شهر یا کشور دیگر صادر میشوند .

فصل چهارم

(چک)

تاریخچه چک :

چک وسیله وصول طلب و تادیه است از آن جهت این سند از زمان های پارین بین تجار ممالک مختلف مخصوصا ایطالیا معمول بوده و اولین قانون که آنرا طور مشرع تنظیم نمود، قانون ۱۴ جون ۱۸۶۳ فرانسه است، چون نتایج صد ور، ظهر نویسی و تادیه چک در محیط ملی باقی نمانده شکل بین العلی را گرفت. در سال ۱۹۳۱ کفرانس بین العلی در شهر جینوا منعقد و ضمن مساله برات و حجت امور چک را نیز مطرح و در نتیجه قانون متحده شکل پیشنهاد شد که جمله ممالک امضاء کنند آنرا در قانون ملی خود جاه دارند. چون دستیر چک از احتیاج بین العلی نشأت گردد بود، ممالکی که حتی در کفرانس هم شمولیت نداشتند یک بعد دیگر قوانین داخلی خود را در پرتو آن تعدل نمودند. اصولنامه تجارت افغانستان مصوبه ۲۱ قوس ۱۳۳۴ نیز مد برانه از قانون متحده شکل الهام گرفته و حتی گفته میتوانیم که در اکثر مقررات خود به آن شباهت تمام دارد.

تعریف چک :

اصلنامه تجارت افغانستان، سویس، فرانسه، المان وغیره راجع به چم تعریف نداده است. اما اصلنامه تجارت ایران در ماده ۳۱۰ چک را چنین تعریف نموده است "چک نوشته ایست که بموجب آن صادر کنده وجهی را که در نزد محال علیه (*holder*) دارد کلا یا بعض استرد یا بدیگری واگذار مینماید" .

۳- استفاده از چک :

۱- چک وسیله استرد اوجه است: باین معنی که شخص پولی نزد دیگری دارد میتواند بوسیله چک آنرا وصول کند یعنی با دستور بد هد کسی مبلغ معین را در وجه شخص دیگر بپردازد.

برای استرد اوجه، وسائل دیگر نیز موجود است. چنانکه میتوان پس از تقاضای کتبی یا شفاهی وجهی را گرفتو رسیده اد. ولی اگر بوسیله چک اقدام شود. دارای فواید بسیار است زیرا از امتیازاتی که قانون برای استناد تجارتی عموما و چک مخصوص مقرر داشته است استفاده

میکند .

۲- چک وسیله پرداخت است : کس که بدیگری مدیون است دین خود را بوسیله چک مباید ازد یعنی بیانک خود را ستور پرداخت وجه را میدهد ولی چون چک اعتبار مخصوصی دارد و بسهولت معامله میشود گیرنده چک میتواند انرا در آراء قرض خود بشخص سومی واگذار کند و بهمین جهت چند دین با مبارله چک تادیه میشود . در شکور هاییکه چک زیاد رواج دارد مانند کشو ر انگلیس چک لجای اسکناس رفع احتیاجات پولی را مینماید . اشخاص دیون خود را بوسیله صادر کودن چک بعهده بانکها من پردازند و در مصرف پول صرفه جویی میشود . بانکها هم با یکدیگر محاسبه نموده و حواله های متقابل را تهاتر میکنند . در درجه اخر هر کدام بدیگری قرضا را بود باز چکی بعهده بانک مرکزی صادر مینماید که محل وله معنکن است درانجا و دیگر داشته باشد و بگذارد تا وقت دیگر بوسیله چک به داین خود بدهد .

۴- اجزای یک چک :

الف : — اجزای قانونی — چک هم مانند سایر اسناد تجاری باشد متضمن مطالبه باشد که فقدان آنها اساس انرا متزلزل مینماید . به این اساس اصولنامه تجارت افغانستان در مارس ۱۹۵۴ م تذکار مینماید که یک چک بایست ۶ اجزای قانونی ذیل را دارا باشد .

۱- تذکار لفظ چک در متن سند :

۲- هدایت حواله و تادیه یک مبلغ معین (او امر پرداخت نیایست مربوط به کدام شرط باشد مثلاً تادیه متقابله مبلغ چک باید به الفاظ نیز تحریر گردد)

۳- اسم شخصی که مبلغ را تادیه مینماید (مخاطب یعنی قاعده تاذکر اسم موسسه پولی)

۴- تذکار محل تادیه یعنی محل اقامت موسسه پولی

۵- تذکار محل و تاریخ روز صدور .

۶- امضای شخصی که چک را صادر مینماید .

در عمل در بانکهای افغانستان بمشاهده رسیده که چک های طبع شده مقررات شش گانه را احتوا نمیکند . این چکها اعتبار نداشته ولوکه در جریان هم افتیده و قابل تادیه باشند و مطابق قواعد و قانون تجارت افغانی نمی باشد . با تکت ها در اثنای بکار آتی اختن چک بک های جدید باید دقت کنند که کلیه اجزای قانونی چک ها در چکهای مذکور شامل باشند .

ب : اجزای تجاری چک :

اجزای تجاری چک یک قانون تدوین شده نمیباشد . در عمل ثابت شده که اجزای تجاری چک خیلی مفید بوده و در معاملات چک تسهیلات زیادی را فراهم مینماید . اگرچه مقررات مذکور از نگاه حقوقی بالای چک نباشد اما مقررات مذکور در همه بانکها در چک مدنظر گرفته میشود

اجزای تجارتی چکها قرار ذیل توضیح میشوند :

۱- نمبر چک : - نمره در موقع تاریخ چک وسیله کنترول میباشد، علاوه بر آن تسهیلاتی در فسخ و بطلان چک هم وارد می کند.

۲- نمبر حساب : - این موضوع نیز تسهیلاتی را برای بانکها مخصوصا در اثنای معامله حسابی چک فراهم مینماید، بالخصوص که اگر امضاء ها واضح نباشد و یا اینکه اسمای افراد و مشتریان مشابهت بسیار نزدیک با هم داشته باشند.

۳- نمبر محل :

این موضوع تسهیلاتی را در موقع صدور چک بالای محلات و موارض کوچک فراهم میکند. در افغانستان هنوز موضوع نمبر محل مروج نیست. طبعاً مفید خواهد بود که این موضوع در افغانستان هم مد نظر قرارداد شود زیرا نمبر محل از اشتباہ محلاتی که دارای عین نام باشند جلوگیری مینماید.

۴- نمبر بانک :

این موضوع بحیث یک وسیله انتظام در معاملات حسابی چک در بانکها خدمت مینماید. در افغانستان هنوز موضوع نمبر بانک وجود ندارد ولی ایجاد و تطبیق این موضوع در افغانستان هم مفید است.

۵- ذکر محدود مبلغ چک به اعداد :

درینمورد جعل کاری ها - تخفیف و غلطی ها کمتر امکان پذیر میگردد. ماده (۵۵۵) قانون تجارت افغانستان اظهار میدارد که اگر انحرافی بین اعداد و الفاظ مبلغ چک رونماگردد درین صورت الفاظ مبلغ چک معتبر شناخته میشود. در افغانستان در تحت مبلغ اصلی چک مناصفه آنرا هم تحریر میدارند از نقطه نظر بین العلل این موضوع معمول نیست.

الف - فقره داشتن دارائی (از دارائی اینجانب) :

این موضوع صادر کننده چک را ملتفت میگرداند که چک را بدون دارائی نیایست صادر نماید.

ب - ذکر اسم گیرنده مبلغ چک و فقره حامل :

درینمورد ماده (۵۵۲) قانون تجارت افغانستان تذکار میدارد: (چک را میتوان بطور ذیل برای تاریخ صادر کرد :

۱- بیک شخص معین یا به امر او

۲- یاد روجه حامل . یک چک بدون اسم گیرنده به معنی تاریخ در روجه مالک چک تلقی میگردد برای اینکه موضوع چک بهتر فهمیده شود . درینجا طور مجدد نوونهچک با اجزای قانون و تجارت آن تعشیل میگردد.

(V)	بیان ۱۵۰۰	(II)	برجای ۲۲۶۳۶	(I)	برجای ۱۴۳۳
(VI)	بانک ①	(V)	کابل ②	(VII)	کابل ③
(F)	کابل	VII	کابل	کابل	کابل

در بدل این چک از دارائی اینجا چه مبلغ چهار هزار و پنجصد افغانی

دروجه احمد جان - کابل و پا حامل تاریخ نمایید .

عبدالوکیل - کابل ④

کابل مورخه اول حوت ۱۳۴۹ ⑤

در شکل صفحه (۵۱) اجزای قانونی چک با ارقام عربی و اجزای تجاری آن با ارقام رومی اشاره گردیده است .

۵- اقسام و انواع چک :

با ساس قانون تجارت افغانستان سه نوع چک را از هم تغییر مینماید .

الف - چکهای حامل :

با وجود یکه اسم گیرنده چک یکی از اجزای تجاری چک میباشد ذریعه فقره حامل چک مذکور بحیث چک حامل شناخته میشود . درینصورت هر دلتونده چک حق دارد که پول را از بانک مخاطب بدست آرد چک های باکمله (حامل) هر کس را مستحق میگرداند که چک را رویت دهد . همچنین همان کسانی را که این چنین یک چک را خلاف بدست آورده اند .

ب : چک های با اسم :

دو چک های بانام کلمه (یا حامل) ذکر نمیباشد . این نوع چکها با ساس ماده ۹۵ قانون تجارت افغانستان ذریعه عمل ظهر نویس انتقال داده شده میتواند . در چکهای با نام موسسه پولی با پیست هویت دارنده چک را کنترول نماید .

ج - چک های رکتا ReKta (غیرقابل انتقال) :

این نوع چک ها در وجه یک شخص معین با جمله (غیر قابل انتقال) و یا یک تذکری که این موضوع را احتوا نماید - صادر میگردند . با تذکر این جمله چک مذکور ظهر نویس و انتقال

دارد شده نمیتواند .

ماده ۵۵۹ نظر به نوع اجرای حواله چک — توسط حواله چک — توسط موسسه پولی — چک های ذیل را تفیریق میکند :

۱- چک نقده :

درین نوع چله پول از طرف موسسه پولی نقدا در بدل چک تادیه می گردد .
۲- چکهای مختلط یا کراس :

به اساس ماده ۵۲۰ قانون تجارت افغانستان هر صادرکننده چک و یا حامل چک میتواند چک را کراس کند . کراس کرن چکها توسط دو خط موازی در روی چک صورت میگیرد کراس چک یا طور عمومی و یا خصوص میباشد .

الف - چکهای مختلط عمومی :

هرگاه درین دو خط موازی کدام لکه‌ای نگری نذکر نگردد . درین صورت از چک های کرام عمومی سخن زده میشود . این نوع چکها یا بانک ها و یا مشتریان آنها برداخته میشود
ماده (۵۲۱) .

ب - چکهای مختلط خاص :

اگر درین دو خط موازی نام یک بانک نذکر را داشته باشد . درین صورت از چک کراس خاص زده میشود و بانک که از آن نام برده میتواند پول را اخذ بدارد .
انسان میتواند یک کراس عام را به خاص تبدیل نماید . اما بالعکس آن یعنی خط زده خطوط کراس و یا کلمه بانک که درین دو خط موازی ذکر گردیده مجاز نیست ماده (۵۲۰)

۳- چک های حسابی :

ماده ۵۲۲ قانون تجارت افغانستان چکهای محاسبی (حسابی و یا قابل معامله به حساب) را نیز میشناسند که در روی این چک ها کلمه (صرف قابل معامله حساب) تحریر میگردد که حذف این کلمه از چک جایز نیست بانک صادر کننده نبایست مبلغ مندرجہ چک را نقدا تادیه بلکه مبلغ چک را در حساب مستحق چک معامله نماید .

هم چک های کراس و چک های قابل محاسبی — در اثنای مفقودی خیلی حمایه شده اند .

۶- انتقال چک :

به اساس قوانین بین المللی انتقال دادن یک چک ذریعه (عل ژویر — ظهر نویس) امکان پذیر میباشد . زیراکه (چکهای که بیک تام مشخص) صادر میشوند . چک یک سند

آرد رمیاشد (۱)

از آن جاییکه اکثر چکها جمه ((یا حامل)) را دارامیاشد لهذا بحیث یک چک حامل نیز شناخته میشود . و چک میتواند باین اساس بدون کدام تعامل مخصوصه انتقال - انتقال داده شود .

در چک های بانام طوریکه در فوق تذکر داده شده در وقت انتقال دادن چک ظهر نویسی ضروری میباشد . ظهر نویسی در ظهر یک چک یا در یک ورقه که ضمیمه چک میباشد تحریر میگردد . ساده ترین شکل آن ظهر نویسی بانکویا سفید است که درین نوع ظهر نویسی صرف یک امضاء صورت میگیرد . ماده ۵۶۱ . با جرای عمل ظهر نویسی کلیه حقوق چک انتقال پیدا میکند . جهت حافظه کردن اطمینان در چک های حامل بایست انسان توسط شخص قبلی چک رانیز ظهر نویسی نماید زیرا که بدون عمل ظهر نویسی حقوق رجعت را حاصل نموده نمیتواند ماده (۵۶۰) ظهر نویسی باید بلا شرط باشد تعیین شرط در ظهر نویسی معتبر نیست همچنین ظهر نویسی معتبر یک قسمت از مبلغ مندرجه چک صحیح نیست .

۲- رجعت در مورد عدم تادیه مبلغ چک :

ماده ۵۷۲ قانون تجارت افغانستان درینصورت اظهار میدارد :

در صورت امتناع از تادیه مبلغ چک دارنده چک میتواند به ظهر نویسان صادر کننده چک و اشخاص مسئول دیگر مراجعه کند .

در ماده ۵۸۲ چنین تنظیم شده که : دعاوی که حامل علیه ظهر نویسان و صادر کننده در ماده ۵۸۵ تذکر یافته که حق مطالبه ومراجعة بعد از انقضای شش ماه ساقط میگردد (از تاریخ مراجعة)

۳- ارائه و تادیه چک :

نظر به ماده ۶۳ قانون تجارت افغانستان چک عند الرویت قابل تادیه است . هر شرطی که برخلاف گان باشد اعتبار ندارد .

باين ترتیب چک هرچه زود تر باید ارائه گردد و برای معاملات کریدتی از آن سوء استفاده نشود از همین جهت قانون تجارت افغانستان موضوع عند الرویت را توضیح کرده . مقررات مدت ارائه چکها نظر به قانون تجارت افغانستان طویل میباشد . زیرا که وضع حمل و نقل تا اندازه خراب است .

(۱) اوراق آرد ریاسم یک شخص معین ترتیب کرد ریافت کنند مبلغ میباشد صادر رمیگردد .

۱- ارائه چک در ظرف ۱۵ روز :

هرگاه چک در محل و موضعی که صادر گردیده قابل تادیه باشد درینصورت دارند آن مکلف است که چک را در ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور برای تادیه مبلغ آن ارائه نموده و وجه آنرا مطالبه کند ماده ۵۶۴ .

۲- ارائه چک در ظرف دو ماہ :

اگرچک از یک نقطه به نقطه دیگر مملکت صادر شده باشد باید در ظرف دو ماہ از تاریخ صدور چک ارائه گردد ماده ۵۶۴ .

۳- مدت ارائه چک در ظرف چهار ماہ :

چک هایی که از خارج و در افغانستان قابل تادیه باشد تابع مقررات چکهای میباشد که در افغانستان صادر گردیده ولی مدت ارائه آن چهار ماه میباشد . شروع مدت مذکور از تاریخ صدور چک محاسبه میگردد ماده ۵۶۴ .

عدم توجه به موعد ارائه چک برای مستحق و دارنده چک عواقب بدی را بارمی آورد .

با ساسه ماده (۵۶۶) دارنده چک ادعای خود را در مقابل ظهر نویسان عملی کرد که نمیتواند اگر مبلغ چک نظر به تعصیری مخاطب خساره مند گردد . دارنده چک نمیتواند علیه صادر کننده دعوا نماید ولی مخاطب میتواند بعد از اختتام موعد چک مبلغ چک را تادیه کند (مکلف نیست) ب . علیه تادیه وجه چک :

ماده ۵۸۶ کسی که وجه چک را در ریافت میکند مجبور است در عقب آن رسید بد هد .

دارنده میتواند تادیه قسمی را قبول نماید درینصورت باندازه مبلغی که در ریافت راشته در ظهر چک رسید نماید .

۹- عدم تادیه مبلغ چک :

هرگاه چک در موعد معینه خود برای پرداخت رویت داده شد و از ظرف موسسه کرید تی مخاطب تادیه مبلغ صورت نگیرد درینصورت دارنده چک میتواند به اشخاص قبلی چک مراجعت کند مشروط براینکه موضوع عدم تادیه مبلغ چک واضح گردد .

الف - در صورت امتیاع از تادیه چک میتواند بظهر نویسان صادر کننده واشخاص مسئول دیگر مراجعت کند . دارنده میتواند که با یکی از دلایل اتفاق امتیاع از تادیه را باثبات برساند .

اعتراض توسط یک ورقه رسمی ماده ۵۷۳

در مرور تقدیم اعتراض در قانون تجارت افغانستان هیچ اشاره داده نشده که پرتوست (اعتراض)

بکدام مرجع تقدیم شده میتواند . ممکن است در عمل در افغانستان یک پروتست تا امروز واقع نشده باشد و این وظیفه باید به محاکم تجاری محول گردد . جزئیات راجع به اعتراض در ماده ۵۲۴ الى ۵۲۸ اصولنامه تجاری افغانستان درج میباشد .

ب - یا تحریر در ظهر چك از طرف مخاطب باقید تاریخ :

ج - با تصدیق محکمه تجاری مبنی بر ارائه چک باقید تاریخ ماده (۵۲۳) دارند چک و یا کسیکه مبلغ چک را تادیه کرد و میتواند از مسئولین چک مصارفاتی را تقاضانماید .

۱ - مبلغ تادیه ناشده چک را

۲ - تکت پولی در اثر تاخیر در تادیه

۳ - مصارف اعتراض (پروتست) وغیره مصارف مربوط انراماده (۵۲۷)

۴ - مفقودی چک :

یک چک که توسط حامل مفقود شده باشد محکمه مربوط که موظف موضوعات حقوقی معاملات تجاری میباشد میتواند بطلان آنرا اعلان نماید و کیفیت اثراکه شخص مذکور واقعاً مالک آن بوده و حقیقتاً مفقود شده توضیح نماید . محکمه حکم میکند که جزئیات سند ولزوم ارائه انراد را ظرف دو ماہ در جراید رسمی و غیر رسمی سه مرتبه اعلان نماید .

در ختم این مدت محکمه تصمیم لازم را در مورد بطلان سند اتخاذ خواهد نمود ماده (۵۸۵)

۵ - فرق برات از چک :

۱ - برات اصلاً وسیله قرضه میباشد در حالیکه چک وسیله تادیه پا استرداد وجه است یعنی چک حواله عند المطالبه بوده ماده (۵۶۳) ولی برات علی الاكثر حواله مهلتو است .

۲ - مخاطب برات هر شخص یا شخصیت حکمی حقوقی اقرار میتواند ولی مخاطب چک باید حتماً یک بانک باشد .

۳ - برات قبل از تهییه ذخیره نزد مخاطب کشیده شده میتواند . ولی صدور چک قرار ماده (۵۵) اصولنامه تجارت در حالی صادر میشود که صادر کننده نزد مخاطب دارای رداشته باشد .

۴ - در بعض انواع برات شرط تکت پولی صریحاً درج شده میتواند ولی طبق ماده (۵۵) اصولنامه تجارت هرگاه چک باشرط تکت پولی صادر شده باشد چنین شرط معتبر نیست .

۵ - در برات بجز انکه صادر کننده قبولی را منع قرار دهد حامل حق دارد هر لحظه که خواسته باشد قبولی مخاطب را درخواست کند . چون سند رویتی است فلهذا قبولی ان مفهومی ندارد از آن جهت است که مفهون ما این امر را بدیهی دانسته حق لزوم ان را ندیده است .

۶- دربرات ظهر نویس ملکیت تام طرز انتقال طبیعی آن بوده و بسیار متداول است . در چک ظهر نویس ملکیت تام خیلی نادر است . زیرا برات که وسیله فرضه است موعد تاریخ دین آن بیک زمان نسبتاً طویل موقول میباشد و در این مدت شاید حامل برات به پول احتیاطی پیدا کند که توسط انتقال برات فوق رفع حاجت نماید . ولی چک همیشه رویقی است حامل فوراً چک را بانک برد و پول حاصل میدارد . با وصف این درچک های که به مالک دیگر حواله داره میشود ظهر نویس ملکیت تام معمول است .

۷- ظهر نویس توکلی چک زیاد معمول است . در حالیکه در برات دیده نمیشود . عموماً اشخاصیکه چک را حاصل میدارند از رابه بانک معامله دار خود فرستاده بنام آن ظهر نویس من نماید که بانک معامله دار بحیث وکیل مبلغ مندرجہ ۱ را از بانک مخاطب اخذ کرده بحساب فایده برند که مشتری او است دیگر نمیکند .

۸- ظهر نویس تضمینی : - درچک ابداً مواردی ندارد زیرا چک تقریباً وجه نقد شناخته شده به تضمین گذاشتن آن غیر منطقی است در حالیکه ظهر نویس تضمینی درجه برات دیده میشود .

۹- اشم شخص که برات بمقادیر صادر میشود روی سند ضروری است اما درچک اینکه تذکار از شرایط لازم آن نبوده . بند ۲۱-۵۵۲) چک کابل راجه قرار میدهد .

۱۰- حدود ظهر نویس و سایر معاملات برات از طرف قوانین افغانستان ، فرانسه ، ایران معاملات تجاری بذات شناخته شده . در صورتیکه صدور ظهر نویس و سایر معاملات چک قرار حقوق فرانسه ، ایران بذات معاملات تجاری نبوده ولی قانون افغانستان از این تجارت میشناسد که این رویه حقوقی مانطقی به نظر من خورد .

۱۱- تباعز عمومی :

چون اصولنامه تجاری افغانستان از قانون متحده شکل مصوبه کفرانس جینو الهام گرفته . بعیده مابهتر است در حصه تباعز قوانین نیز از کفرانس جینوا استفاده کند چه فعلای حصه تباعز قوانین در قانون تجارت ما موجود نبوده یک خلای بزرگ قانونی است که اصلاح آن امر خیلی ضروری مینماید .

امید است این نکته که اهمیت فراوان دارد جلب توجه مقامات ذیصلاح را بخود معطوف دارد چه در غیر آن مشکلات زیادی را مواجه خواهیم شد .

از آنجائیکه هر شش تحت تا^۱ شیر ترتیب معلوم بر علت قرار گیرد . به عباره ساده تر هر معلوم زاده عوامل مختلف است . بنا^۲ این ادعا را کرد که میتوانیم که تمام پرنسیپ ها و دستاتیر که در ساحه امور اجتماعی ، اقتصادی و پرولیم های سیاسی طرح و پیریزی میشود ناشی از انگیزه ها و تا^۳ شیرات و تهدلات عوامل مختلفه (سیاست ، اجتماعی ، اقتصادی) واقع میشود . بدین ملاحظه بود که بیشتر در اعصار قدیم با گذشت قرون متعدد تا امروز مراحل مختلف اقتصادی را طی نموده اند چنانچه بوجود آمدن اداره مختلف اقتصادی با شیوه^۴ خاص تولید (اقتصاد بسته فامیلی ، اقتصاد شهری ، اقتصاد ملی) شاهد این واقعیت است . تهارز یک تحول عمق بنیادی در ساحه زیر بنا^۵ مستلزم تحول و تغییر در ساحت رونا^۶ از قبیل سیاست ، حقوق ، فرهنگ و دیگر مسائل اجتماعی گردید . فلهذا این نظریا صراحت لجه ابراز میشود که تغییر در زیر بنا^۷ (مسائل اقتصادی) ایجاب یک تغییر رادر رونا^۸ (مسائل اجتماعی) نباشد . ازین جا است اگر مایک نظر عمومی به اواسط حقوقی و فعالیت های اقتصادی بسویه ملی و بین المللی در دوره های مختلف تاریخی به اندازیم ملا حظه من کیم که تعاملات حقوق هم نظر به شرایط و مقتضیات عصر و زمان و در نتیجه انتباطی پذیر است . چنانچه مطالعات علمی از نگاه تاریخ نشان میدهد که یک قانون موضوعه نتوانسته در زمان و مکان های مختلف بدون اینکه تغییرات و تعدیلات در اجزای مختلف آن بعمل آرند . ثابت و لا یتغیر باقی مانده و مورد تطبیق قرار گیرد . به این اساس یک نظر خاص به قواعد و مقررات در ساحه اسناد تجاری در اصولنامه تجارت افغانستان تصریح شده به این موضوع مارا ملتفت میسازد . که اسناد تجاری روستایز مربوط آن نظر به صوابدید عصر و زمان خود مورد تعمیل بود زیرا از یک طرف ساخته تجارت محدود بود و از دیگر طرف اکشاف که الحال در ساحه تجارت پعلا حظه من رسید ران وقت موجود نبود . بنا^۹ پرولیم های که ازین ناحیه بمعیان من آید آنها پیش بینی نکرده بودند و یا اینکه در طرح مواد و قوانین آن طوری لازم بود نتوانستند از اساسات و متود های علمی بهروی نمایند .

روی این مطلب هر انسان متفکر با اندکی تعمق در قیمت دسپلین های مندرجه آن میتواند آنرا اندگشت نشان سازد چون در مملکت عزیزما از چند سال به این نظر در ساحه فعالیت های اقتصادی به بسویه ملی و بین المللی اکشاف قابل ملا حظه بعمل آمده و ازین که با در نظر گرفتن این اکشاف و تحول در ساحه تجارت و اعمال اقتصادی در مسورد اسناد تجاری که وسیله تسهیلات تجارتی موازی به آن اقدامات لازم صورت نگرفت . بنا^{۱۰} این اسناد تجاری با شکل ساقمه با بعضی پرولیم های مواجه شده و این موجودیت یک سلسله نارسانی های حقوقی سبب شد که مردم راجع به اسناد تجاری سوء ظن پیدا نموده به تجارت و فعالیت های اقتصادی لطمه وارد نمایند .

اینجانب نظر به علاقه مفرط که به اکشاف و رشد اقتصادی وطن محبوب خود را م و ضمانت نظر به دلچسپی که در ساحه مسائل حقوقی داشتم حاضر گردیدم تا در پیرامون اسناد تجاری افغانستان و تعاملات آن در زمینه فعالیت های اقتصادی و اینکه کدام

اندازه جنبه علمی در پرتویک تناصر است اظهار نظر کیم .

این نظر بندۀ ناشی از خالل ظالعات علمی و نتایج تجربی است که از مد تا چندی به این طرف بعمل آورده ام نظوبات بندۀ در مورد نواقص مواد اصولنامه تجارت افغانستان را مورد اسناد تجاری زیادتر مکی به مقایسه فانون تجارت افغانستان / الطان و سویس میباشد وهم درین قسمت از انتقالات یک سلسله از محققین ریز استفاده صورت گرفته است .

چنانچه مواد قانونی که مغلق به اسناد تجاری که در باب سوم اصولنامه تجارت تحریر یافته اکثراً قابل تنقید و اصلاح است علاوه بر این از توجه به بعضی قوانین ان برقی آید که عدد از مواد اصولنامه در مورد اسناد تجاری نهایت غامض و پیچیده بوده که حتی فهم موضوع را مشکل میسازد وهم میتوان لفت که پاره از دستاورد آن به حدی ناقص است که طوری صحیح از حقوق دایین و مديونون رفاه و حمایه نتوانسته است ملا در ماده ۱۰۰ اصولنامه تجارت در مورد تاریخ قسمی مبنیارد ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ در صورت تاریخ قسمی بر این روزی شود . ولی مخاطب میتواند تقاضا نماید که در برات برای قسمت تاریخ با رسیده شود . درین ماده اصولنامه تجارت تذکر را دارد که برآورده شدن در حالیکه با صراحت لبه اظهار گردید میتوانیم که برات بصورت قسمی رسیده شود و مخاطب میتواند همان مبلغ را که تاریخ نموده به همان مبلغ اعتراض نامه ترتیب نهاد .

از خالل ظالعه این ماده عدد محمایه مديون در مقابل دایین توضیح میشود . بنابراین تصحیح و اکمال ماده مذکور مستلزم یک سلسله از تعديلات میباشد . نظر به مقایسه قانون تجارت در ساحه اسناد تجاری با قوانین موضوعه تجارتی سویس و الطان بجرئت میتوان لفت که باید در زمینه این موضوع تجارتی شود " که مبلغ تاریخ شده را روی برات تذکر داده و رسیده علیحده برای مخاطب داده شود . با ارجاع این مفهوم میتوان اعتقاد دایین و مديون را در زمینه استفاده از اسناد تجاری جلب . در نتیجه تسبیلات ازین نلحیه امور تجارت انکسار و بهبود فعالیت های اقتصادی بعمل آور . زیرا با این نظر گرفتن مطحوظات مختلف میتوانیم عوامل متعدد را که سد راه و مانع رشد تجارت میشود از میان برداشت .

در موارد ۴۹۳-۴۹۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۳-۵۲۴-۴۴-۴۴ اصولنامه تجارت راجع به اعتراض تامه احکامی صادر شده که حتی در بعضی این مواد موجودیت اعتراض نامه را برای اقامه دعوی شرط کذاشت . ولی راجع به اینکه اعتراضنامه توسط کدام شخص ترتیب نزدیده وجه شکل دارد وچه مواد را حاوی است ابداً صراحتی بینظر نمی رسد عدم وجود این صراحت یک خدی بزرگ قانون شلخته شده و حق رجوع حامل را علیه مقتضین برات بی اثر میسازد ازین لحاظ لازم نمیدم که حدیں باز نماید ماده اصلنامه اصولنامه تجارت عطف توجه مقامات صالحه را در این باره تعنا داریم . راجع به ادعای فوق تقریباً هفت ماده در اصولنامه تجارتی کمود بمنظور قی خورد که در زیل تذکر می نهیم .

۱- راجع به تعیین تفترصد حیث را

۲- راجع به تذکرات احوالات نامه

۳- راجع به شکل مادی اعتراض نامه .

۴- اعتراض نامه در حال قبول قسمی تادیه

که علیه چندین شخص ترتیب میشود .

۵- نقل اعتراض نامه

۶- اگر شکل مادی اعتراض نامه مکمل نباشد .

۷- اگر شکل مادی اعتراض نامه مکمل نباشد .

ماده ۴۹۳ اصولنامه تجارت افغانستان چنین می نگارد که "براتی را که حامل برای قبول ارائه می کند مجبور نیست به مخاطب تسلیم کند میتواند فیروز آنی روزیکه برات با او ارائه شده باشد برای پار دوم طالب ارائه گردد اگر حامل اعتراض کند و در جواب بعطالیه بار دوم استناد نشود علاوه مدندا نمیتوانند قبول ننمودن مطالبه دوم را ادعا کند "

درین ماده سطر دوم آن قابل انفارز میباشد " اگر حامل اعتراض کند و در جواب "

زیرا که این سطر خیلی تاریک انتشار شده و کدام مفهومی از آن استباط نمیگردد . امید من رو در این نکته نیز مانند سایر نکات فوق الذکر مورد توجه مقامات صالحه واقع گردد بطور مثال سطر

دوم این ماده چنین انشاء شده میتواند " اگر حامل اعتراض کند و عدم در خواست ارائه بار دوم

روی اعتراض نامه تحریر نماید علاوه هفتاد نمی توانند ادعا کنند که از این حق استفاده بعمل نیامده

ماده ۴۹۶ اصولنامه تجارت بتقریب پر تسبیب های قانون متعدد الشکل خواسته این مفهوم را مانند

قانون سایر ملل تغییر نماید ولی شاید حین طبع آن دو سه و بسیار مهم رخداده است بدین

لحاظ اولاً اصل ماده راجه نانکه در اصولنامه تحریر یافته تذکار را داده سپس راجع به اصلاح آن

پیشنهادی عرضه میشود " اگر برات طوری صادر شده باشد که در محل غیر اقامتگاه مخاطب قابل

تادیه باشد و نام شخصیکه با او تادیه میشود در آن تصریح نشده باشد چنان محسوب میشود

که قبول کننده تعهد نموده که وجه برات را شخصا در محل تادیه ادا نماید " اگر ماده اصولنامه

تجارت ما بدین صورت انشاء میشده هم خوبتر افاده شده و هم بر روحیه قانون متعدد الشکل که

امروز قانون تمام مالک از آن الهام گرفته نزدیک تر میشود " هنگامیکه صادر کننده روی برات

محل تادیه را غیر از اقامتگاه مخاطب تعیین نمود و در آن اسم شخص ثالث را که تادیه نزدیکی

صورت نمیگیرد تصریح نکرده باشد مخاطب میتواند حین قبولی شخص مذکور را تعیین کند در

صورت عدم تعیین او چنان محسوب میشود که قبول کننده تعهد کرده که وجه برات را شخصا در

محل تادیه ادا نماید " .

ماده ۴۸۲ اصولنامه تجارت چنین انشاء شده است " اگر در ظهر نویس اسم حامل ذکر نگردیده

قراریکه اصولنامه های مالک دیگر از قبیل سویس ، فرانسه و سایر مللی که در کفرانس جینوا

اشتراتک نموده متفقا گویند " اگر در ظهر نویس اسم فایده برنده ذکر نگردیده " استعمال اصطلاح مقادیر بزرگ شامل ولی اصطلاح مقادیر بزرگ شامل زیرا اصطلاح حامل خاص

بوده در مفهوم مقادیر بزرگ شامل ولی اصطلاح مقادیر بزرگ شامل عام و در مفهوم حامل شامل نیست

پس اصطلاح مقادیر بزرگ وسیع تر بوده و حامل را هم در برمی گیرد . تعدیل این اصطلاح نیز

از نگائی است که امید من روی مقامات صلاحیت دارد را غیر عمل آورده و اصلاح فرمایند .

ماده ۱۰۵ اصولنامه تجارت افغانستان چنین انشاء شده " اگر برات به پولیکه در محل تادیه رایج

نباشد صادر گردد و صادر کننده پول را که تادیه آن در برات ذکر گردیده شرط نگذاشته باشد

مخاطب میتواند که پول متدابل محل تادیه قرار قیمت (روز تادیه) اجرانماید . " اما اگر تادیه

کننده در تاخیر باشد قرار حقوق سویس حامل حق دارد از نزخ روزیکه مایست برات تادیه میشد یا روزیکه حقیقتا برات تادیه میشود یکی را منتخب کند این اختیار از نقطه سیاست قانون گذاری

- -

خیلی مفید میباشد چه در صورت عدم وجود این انتخاب معکن است تاریخ کنده به احتمال آنکه شاید تغییری در نرخ اسعار بوجود آید قصدا خودرا در تأخیر اندازد (تاخیر هنگامی موضوع بحث میشود که موعد تاریخ یک قرضه بسر رسیده و مدیون با وجود افکار داین پول رانیز دارد بدختانه این احتمال انتخاب را اصولنامه تجارت افغانستان پیش بینی نکرده در اخیر این ماده سهو طباعتی رخ دارد است باید این طور نوشته میشد قرارنرخ روز موعد تاریخ کند .

قرار اصولنامه تجارت افغانستان سکوک محل تاریخ معتبر است و این امر رامطلق شناخته و ثبوت ضد آن کم معکن نیست در حالیکه در اصولنامه مالک دیگر ضد آن معکن میباشد . قبل اگر صادر کنده سهوا تائید نکد که بفرانک فرانسوی تاریخ شود قرار حقوق افغانستان مجبور است به فرانک بلژیک تقریبا ده برا برکم تر تاریخ نماید در حالیکه اصولنامه های مالک دیگر ضد معکن بوده مخاطب یا صادر کنده نمیتواند ثابت کند که سهورخ راده است واز این جهت مواجه خساره نمیشود این نکته هم از نکاتی است که عطف توجه مقامات صالحه را تجدید قانون نامه ایجاب میکند . ماده ۵۵۱ اصولنامه تجارت افغانستان چک درحال صادر میشود که صادر کنده نزد مخاطب دارایی داشته باشد بدختانه در قانون ما راجع به صدور چک بدون دارایی هیچ مقرر موجود نبوده و همچنان ارتکاب این عمل به اندازه عادی معلوم میشود که بانک با خود سردی روی چک مینویسد دارایی ندارد . امر این مراعات بانکها اعتبار چک را تا اندازه کم ساخته که اکثر مردم از گرفتن چک خودداری میکند ایجاد است این امر توجه مقامات زیصلاح را جلب نموده یا از راه تعیین یا از راه قطع حساب مشتری توسط بانک از ارتکاب عمل هذا جلوگیری بفعال اید .

بدین ترتیب مواد ۵۸۸ ۵۵۱ ۴۹۱ ۴۹۰ ۴۷۲ ۴۹۰ ۴۸۹ خیلی تاریک انشاء گردیده و مفهومی از آن ها استباط شده نمیتواند ازین لحاظ قابل اصلاح میباشد که در زمینه توجه مقامات زیصلاح را خواهانم با تذکر نکات چندی راجع به نواقص و پرولیم های اسناد تجاری افغانستان و پیشنهاد راه حل آن مقامات زیصلاح را متوجه به رفع این نواقص ساخته امیدوارم تا از میان بردن این موانع خدمتی در راه اکتشاف اقتصاد مملکت نموده و نام نیکوش به اولاد آینده این خاک به ارمغان گذارند . با عرض حرمت
(عبد الغفور)

از کتب ذیل در قسمت نوشتن این مونوگراف استفاده بعمل آمده است :

- ۱- حقوق بازرگانی تالیف دکتور عبدالحمید اعظمی زنگنه چاپ سوم سال تالیف ۱۳۴۶ تهران
- ۲- حقوق تجارت نگارش محمد علی عبادی چاپ دوم سال ۱۳۴۳ تهران
- ۳- حقوق شرکت ها و اسناد تجاری افغانستان ترجمه غلام سرتیغی عظیمی چاپ اول ۱۳۴۷ کابل
- ۴- قاموس اقتصاد تالیف محمد عارف غوشی چاپ اول سال ۱۳۴۰ چاپ کابل
- ۵- اصول جدید حسابداری جمشیدی رو چهارم ۱۳۴۲ - تهران
- ۶- حسابداری و فن تراویث و تالیف دوبل تالیف بهمن چاپ اول سال ۱۳۱۹ - تهران
- ۷- حقوق تجارت اسلامی تالیف سید مجتبی چاپ اول سال ۱۳۲۸ - تهران
- ۸- اصول نامه تجارت افغانستان چاپ اول سال ۱۳۳۶ وزارت اقتصاد ملی
- ۹- اسناد تجاری تالیف عبدالواحید سراج چاپ اول سال تالیف ۱۳۴۵ کابل
- ۱۰- بانک تالیف دکتور عبدالحمید اعظمی زنگنه چاپ اول سال تالیف ۱۳۴۳ تهران

خلاص سوانح مؤلف مونوگراف

اسم من عبد الغفور و در شهر کابل به سال ۱۳۲۷ هجری پا بعرصه وجود
گذاشت و در همان سال فامیل از شهر کابل به خان آباد مسافرت کرده
و در همانجا مسکن گزین گردیدند . و در سال ۱۳۳۵ هجری بعلف دوم مکتب
مکتب متوسط خان آباد شامل شدم و در سال ۱۳۴۵ در اقصیر موفقیت های
پی دری از لیسه خان آباد فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۴۶ بعد از اعلام
نتیجه کانکور به پوهنخی اقتصاد معرفی گردیدم و ازین پوهنخی در برج سرطان
۱۳۵۰ فارغ التحصیل شدم .

با احترام

(عبد الغفور)

